SDGE
Scientific Journal of
Sustainable Development of Geographical Environment
Vol. ??, No. ??, ????

Original Article

The Role of Architectural Components and Urban Identity in Promoting Sustainable Tourism: A Case Study of Garmsar City

Meysam Zekavat[1], Arezoo Momenian[1*]
[1] **Department of Architecture, Faculty of Engineering , University of Garmsar, Garmsar, Iran**

Abstract

Introduction: The present study was conducted with the aim of examining the role of architectural components and urban identity in promoting sustainable tourism in the city of Garmsar. Despite possessing architectural heritage, a historical fabric, industrial elements, a railway, garden-city features, and local rituals, Garmsar has remained primarily a transit hub along the Tehran–Mashhad corridor due to the spatial dispersion and weak networked connectivity of its identity elements, and has been unable to transform into a sustainable urban tourism destination. Accordingly, this research seeks to identify the architectural and urban identity components of Garmsar and to analyze their role in sustainable tourism.

Materials and Methods: The research is applied in terms of purpose, descriptive–analytical in approach, and mixed-methods (qualitative–quantitative) in methodology, and was conducted in four stages: qualitative, fuzzy Delphi, quantitative, and GIS-based spatial analysis. In the qualitative stage, using grounded theory and interviews with ۱۵ specialists, local residents, and tourist guides, the identity components were identified and analyzed through three-stage coding. The codes were validated via the fuzzy Delphi method with the participation of ۳۵ experts. In the quantitative stage, structural equation modeling based on the partial least squares method was applied to a sample of ۲۰۰ residents and tourists to examine the effect of the identity components on the economic, social, environmental, and physical–managerial dimensions of sustainable tourism. Spatial analysis was also performed using a geographic information system and weighted overlay of layers based on the path coefficients.

Results and Discussion: The findings revealed that the architectural and urban identity components of Garmsar are organized into eight main categories: hydraulic architecture and water resources management, industrial and warehouse architectural heritage, the physical identity of the station city, morphology of the vernacular residential fabric, technology and eco-compatible materials, collective memory and ritual memorials, the ecological identity of the garden city, and the identity capacity of heritage and tourism development. The results of structural equation modeling indicated that urban identity and architecture exert a positive, direct, and significant effect on all four dimensions of sustainable tourism, with the strongest effect on the economic dimension, followed by the social dimension. Spatial analysis identified three main foci of the city's spatial identity (the historical fabric, the industrial–railway axis, and the garden-city belt); however, their spatial dispersion and weak networked connectivity have reduced the tourism performance of these elements.

Conclusion: Based on the findings, the urban identity and architecture of Garmsar constitute a cultural–spatial capital that, if managed in an integrated manner, can become a driver of sustainable tourism. Accordingly, the creation of an integrated heritage–tourism corridor to connect the three identity foci, the empowerment of the local community and small-scale businesses in priority zones, and the development of a GIS-based spatial monitoring system for protecting architectural authenticity and guiding future interventions are proposed. Overall, sustainable tourism in Garmsar is not merely an economic project, but a cultural, social, and spatial one; without it, urban identity will gradually erode, and the opportunity to transform the city from a transit hub into a dynamic and lasting destination will be lost.

Keywords: Architecture and Urban Identity, Sustainable Tourism, Spatial Analysis, Garmsar.

Citation: Zekavat, M. & Momenian, A., (۲۰۲۶). The Role of Architectural Components and Urban Identity in Promoting Sustainable Tourism: A Case Study of Garmsar City. *Sustainable Development of Geographical Environment*: Vol. ??, No. ??, (??-??). https://doi.org/۱۰,٤٨٣٠٨/sdge.۲۰۲۳,۲۳۲۳۱۱,۱۱۳٦

Received: ??/??/?? Revised:??/??/?? Accepted:??/??/??

* Corresponding Author's Email: A.momenian@fmgarmsar.ac.ir

Copyright: © 2025 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY). license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

فصلنامه علمی توسعه پایدار محیط جغرافیایی
SDGE
دوره ؟، شماره ؟؟، ؟؟

مقاله پژوهشی

نقش مؤلفه‌های معماری و هویت شهری در ارتقای گردشگری پایدار مورد مطالعه: شهر گرمسار

میثم ذکاوت[1]، آرزو مومنیان [1*]

۱. گروه معماری، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه گرمسار، گرمسار، ایران

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش مؤلفه‌های معماری و هویت شهری در ارتقای گردشگری پایدار شهر گرمسار انجام شد. شهر گرمسار با وجود برخورداری از میراث معماری، بافت تاریخی، عناصر صنعتی، راه‌آهن، باغشهری و آیین‌های محلی، به‌دلیل پراکندگی فضایی و ضعف پیوند شبکه‌ای عناصر هویتی، عمدتاً به عنوان یک کانون گذرگاهی در محور تهران–مشهد باقی مانده و نتوانسته به مقصدی پایدار در گردشگری شهری تبدیل شود. از این رو، پژوهش به دنبال شناسایی مؤلفه‌های معماری و هویت شهری گرمسار و تحلیل نقش آن‌ها در گردشگری پایدار است.

مواد و روش‌ها: پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر رویکرد توصیفی–تحلیلی و از نظر روش ترکیبی (کیفی–کمی) است و در چهار مرحله کیفی، دلفی فازی، کمی و تحلیل فضایی مبتنی بر GIS انجام شد. در مرحله کیفی با روش نظریه زمینه‌ای و مصاحبه با ۱۵ نفر از متخصصان، ساکنان محلی و راهنمایان گردشگری، مؤلفه‌های هویتی شناسایی و با کدگذاری سه مرحله‌ای تحلیل شد. اعتبارسنجی کدها با دلفی فازی و مشارکت ۳۵ خبره انجام گرفت. در مرحله کمی، با مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی و نمونه‌ای ۲۰۰ نفری از ساکنان و گردشگران، اثر مؤلفه‌های هویتی بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی–مدیریتی گردشگری پایدار بررسی شد. تحلیل فضایی نیز با سیستم اطلاعات جغرافیایی و همپوشانی وزنی لایه‌ها بر پایه ضرایب مسیر انجام شد.

بحث و نتایج: یافته‌ها نشان داد که مؤلفه‌های معماری و هویت شهری گرمسار در هشت مقوله اصلی شامل معماری هیدرولیکی و مدیریت منابع آب، میراث معماری صنعتی و انبارگاهی، هویت کالبدی شهر ایستگاه، ریخت‌شناسی بافت مسکونی بومی، فناوری و مصالح سازگار با بوم، خاطره جمعی و یادمان‌های آیینی، هویت بوم‌شناختی باغشهری و ظرفیت هویتی میراث و توسعه گردشگری سازمان می‌یابند. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که هویت و معماری شهری بر هر چهار بعد گردشگری پایدار اثر مثبت، مستقیم و معنادار دارد و بیشترین اثر بر بعد اقتصادی و سپس اجتماعی است. تحلیل فضایی سه کانون اصلی هویت فضایی شهر (بافت تاریخی، محور صنعتی–ریلی و کمربند باغشهری) را آشکار کرد، اما پراکندگی و ضعف پیوند شبکه‌ای، عملکرد گردشگری این عناصر را کاهش داده است.

نتیجه‌گیری: بر پایه یافته‌ها، هویت و معماری شهری گرمسار سرمایه‌ای فرهنگی–فضایی است که در صورت مدیریت یکپارچه می‌تواند به پیشران گردشگری پایدار تبدیل شود. بر این اساس، ایجاد کریدور یکپارچه میراثی–گردشگری برای اتصال سه کانون هویتی، توانمندسازی جامعه محلی و کسب‌وکارهای خرد در پهنه‌های اولویت‌دار، و تدوین سامانه پایش فضایی با GIS برای حفاظت از اصالت معماری و هدایت مداخلات آینده پیشنهاد می‌شود. در مجموع، گردشگری پایدار در گرمسار نه فقط یک پروژه اقتصادی، بلکه پروژه‌ای فرهنگی، اجتماعی و فضایی است که بدون آن، هویت شهری به تدریج فرسوده می‌شود و فرصت تبدیل شهر از یک کانون گذرگاهی به مقصدی پویا و ماندگار از دست می‌رود.

واژه‌های کلیدی: معماری و هویت شهری، گردشگری پایدار، تحلیل فضایی، گرمسار

استناد: ذکاوت. م. و مومنیان، آ.، ۱۴۰۵. نقش مؤلفه‌های معماری و هویت شهری در ارتقای گردشگری پایدار مورد مطالعه: شهر گرمسار، توسعه پایدار محیط جغرافیایی: دوره ؟، شماره ؟، ؟ ؟، (؟-؟). https://doi.org/۱۰،٤٨٣٠٨/sdge.۲۰۲۳،۲۳۲۳۱۱،۱۱۳٦

دریافت: ؟؟/؟؟/؟؟ بازنگری: ؟؟/؟؟/؟؟ پذیرش: ؟؟/؟؟/؟؟

* رایانامه نویسنده مسئول: A.momenian@fmgarmsar.ac.ir

تایید نهایی نسخه الکترونیکی

مقدمه

شهرها به عنوان بسترهای زیست اجتماعی و فرهنگی، موجودیت‌هایی هویت‌مند و ارزشمند به شمار می‌روند. در این میان، بافت‌های ارزشمند تاریخی نقشی کلیدی در حفظ و بازنمایی این هویت ایفا کرده و به منزله پیوندی زنده میان گذشته، حال و آینده حیات شهری محسوب می‌شوند (Drascalu, ۲۰۱۹). با این حال، در دوران معاصر، شهرها تحت‌تأثیر فرایندهای شتابان تجدد و جهانی شدن قرار گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که حفظ هویت مکانی و ارتقای کیفیت فضاهای شهری به چالشی بنیادین در حوزه طراحی و برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است (Madanipour, ۲۰۰۶). توسعه بی‌رویه، نوسازی‌های غیراصولی و گسست میان ساختارهای کالبدی سنتی و نوین، به فرسایش تدریجی هویت مکانی این بافت‌ها منجر شده است (Ahmed, ۲۰۲۰)؛ پدیده‌ای جهانی که در کشورهای در حال توسعه و در شهرهایی با تغییرات سریع کالبدی–اجتماعی، با شدتی دوچندان نمود یافته و محیط‌های شهری را در معرض زوال هویت مکانی و فرهنگی قرار داده است (Azimpour et al., ۲۰۲٤).

توسعه گردشگری، به عنوان رویکردی نوین در همکاری‌های منطقه‌ای، می‌تواند موجب تقویت اقتصاد، تبادلات فرهنگی و تعاملات اجتماعی شود (Sadeghi et al.,۲۰۲٥). در واقع گردشگری یک رویکرد اقتصادی مهم برای توسعه در عصر حاضر است (Sadeghi et al,۲۰۲٦). در دهه‌های اخیر، توسعه گردشگری شهری به یکی از مهم‌ترین راهبردهای مدیریت شهری برای دستیابی به رشد اقتصادی، تقویت تعاملات اجتماعی و ارتقای جایگاه فرهنگی در مقیاس‌های ملی و بین‌المللی بدل شده است (Mahdavi Helan & Shahmoradi, ۲۰۲٦; Shamsoddini & Sadeghi, ۲۰۲۳). شهرها با تکیه بر جاذبه‌های تاریخی، کالبدی، اجتماعی و تنوع الگوهای فضایی، ظرفیت کم نظیری در جذب گردشگران دارند. با این وجود، گسترش ناهمگون گردشگری در صورت فقدان برنامه‌ریزی یکپارچه و کم توجهی به ظرفیت‌های کالبدی و اکولوژیک، پیامدهای مخربی چون فرسایش بافت‌های تاریخی، تنزل کیفیت فضاهای همگانی و تضعیف اصالت فرهنگی به همراه دارد. از این رو، اتخاذ رویکرد پایداری ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ پایداری در گردشگری شهری علاوه بر حفاظت محیطی، ابعاد کالبدی، اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد تا از طریق تقویت هویت شهری به‌عنوان تجلی تاریخ، ارزش‌ها و الگوهای فضایی جامعه زمینه‌ساز خلق تجربه‌ای اصیل و ماندگار برای گردشگران شود (Amiri, ۲۰۲٥).

از گردشگری به عنوان محرک اقتصادی یاد شده(Sadeghi & Javan,۲۰۲٥) و در ارزش گذاری های مختلف از جمله کاربری و توسعه موثر است (Sadeghi & Seidaiy,۲۰۲٥). در این فرایند، معماری و مؤلفه‌های کالبدی نقشی محوری در ادراک فضا و سامان‌دهی رفتار گردشگران ایفا می‌کنند؛ چنان‌که اوری (۲۰۰۲) معماری و تکنیک‌های ساخت فضایی را در صورت‌بندی (نظریه نگاه گردشگر) بسیار تعیین‌کننده می‌داند (Urry, ۲۰۰۲). پیوند میان معماری و گردشگری فراتر از جنبه‌های بصری، مفاهیمی چون برندسازی شهری، میراث کالبدی و حس تعلق مکانی را در بر می‌گیرد (Bijlsma et al., ۲۰۰٤; Specht, ۲۰۱٤). معماری در بستر گردشگری پایدار، با تلفیق ارزش‌های تاریخی، اقلیمی و مصالح بومی با نیازهای عملکردی معاصر، نه تنها از کالبد محافظت می‌کند، بلکه با ارتقای خوانایی و سرزندگی فضاهای همگانی، ارزش اقتصادی و فرهنگی مقاصد را افزایش می‌دهد (Pla’tou, ۲۰۰۷). در شهرهای با پیشینه غنی به ویژه بافت‌های شهری ایران که بازتابی از تنوع اقلیمی، نمادین و تعاملات اجتماعی در طول تاریخ هستند (Donboli et al., ۲۰۱۷) ساختارهای فضایی و نمادهای کالبدی موجود در فضای عمومی، نقشی اساسی در شکل‌دهی به ادراک و تجربه زیسته شهروندان و گردشگران ایفا می‌نمایند (Hosseini Tabatabaei & Mousavi Fard, ۲۰۲۳). با توجه به چند بعدی بودن این روابط، واکاوی نحوه توزیع، ارتباط و اثرگذاری هم‌افزای عناصر کالبدی و معنایی، نیازمند بهره‌گیری از رویکردهای تحلیل فضایی است تا الگوهای حاکم بر چیدمان فضایی و تأثیر متقابل آن‌ها بر پایداری جریان گردشگری مشخص گردد.

در این میان شهر گرمسار به واسطه موقعیت جغرافیایی ویژه در حاشیه کویر مرکزی ایران و قرارگیری در مسیر شریان‌های ارتباطی مهم کشور (محور مواصلاتی تهران–مشهد)، از موقعیتی راهبردی و ظرفیت‌های متنوع کالبدی، تاریخی و فرهنگی برخوردار است. این شهر دارای میراث معماری و بافت‌های باارزشی از جمله کاروانسراها، آب‌انبارها، قلعه‌های کهن،

بافت‌های بومیِ منطبق با اقلیم گرم و خشک است که تجلی‌بخش هویت شهری، فرهنگ زیست‌محیطی و تعامل انسان با طبیعت کویری در طول تاریخ بوده‌اند. همجواری با جاذبه‌های منحصربه‌فرد ژئوتوریسمی و نزدیکی به پایتخت، گرمسار را به بستری مستعد برای توسعه گردشگری پایدار، تقویت اقتصاد محلی و برندسازی مبتنی بر میراث بومی تبدیل کرده است. در این چارچوب، مؤلفه‌های معماری سنتی و عناصر هویتی شهر می‌توانند به عنوان پیشران‌های اصلی در بازنمایی هویت مکانی، جذب گردشگر و ارتقای سرزندگی شهری عمل کنند.

با این وجود، بررسی وضعیت کنونی شهر گرمسار نشان‌دهنده چالش‌ها و گسست‌های فضایی متعددی در مواجهه با توسعه مدرن و گردشگری است. طی دهه‌های اخیر، فرایند شتابان نوسازی‌های غیراصولی، گسترش نامتوازن کالبدی و رواج الگوهای معماری ناهمگون و فاقد هویت، موجب فرسایش تدریجی بافت‌های تاریخی و انزوای عناصر معماری بومی این شهر شده است. در حال حاضر، میان آثار و عناصر معماری ارزشمند گرمسار و ساختار فضایی عمومی شهر نوعی انقطاع و عدم یکپارچگی فضایی حاکم است؛ به طوری که بسیاری از ظرفیت‌های کالبدی و هویتی به صورت لکه‌ای، پراکنده و بدون دسترسی‌پذیری و خوانایی مناسب در بستر شهری رها شده‌اند. فقدان زیرساخت‌های فضایی متناسب با گردشگری، افت کیفیت محیطی در مجاورت عناصر هویتی، و نگاه تک بعدی صرفاً حفاظتی (بدون بازآفرینی کارکردی و پیوند دادن آن‌ها با حیات روزمره شهری)، سبب شده تا گرمسار علی‌رغم قرارگیری در یکی از پرترددترین مسیرهای زیارتی-سیاحتی کشور، عمدتاً به یک معبر و ایستگاه گذرگاهی تبدیل شود تا یک مقصد گردشگری پایدار و ماندگار.

از این رو، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این مسئله اساسی است که: مولفه‌های معماری و هویت شهری گرمسار کدامند؟ و چه این مولفه‌ها چه تاثیری در گردشگری پایدار این شهر دارند؟

در این راستا، اهمیت و ضرورت پرداختن به این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که توسعه گردشگری پایدار در گرمسار نیازمند فراتر رفتن از اقدامات صرفاً کالبدی و موردی، و اتخاذ رویکردی ساختاریافته و کل‌نگر بر پایه تحلیل فضایی است. تا زمانی که نقش مؤلفه‌های معماری و شاخص‌های هویت شهری در ارتباط با یکدیگر و در مقیاس کلی شبکه فضایی شهر تحلیل و ارزیابی نشوند، نمی‌توان به الگویی یکپارچه برای هم‌افزایی جاذبه‌ها، توزیع عادلانه خدمات گردشگری و تقویت حس تعلق مکانی دست یافت. غفلت از سامان‌دهی فضایی این عناصر نه تنها به زوال نهایی هویت تاریخی و معماری بومی گرمسار می‌انجامد، بلکه فرصت‌های بازآفرینی اقتصادی و اجتماعی ناشی از گردشگری پایدار را نیز می‌سوزاند.

شهرها پدیده‌هایی پیچیده و چند بعدی در ابعاد اجتماعی و کالبدی هستند که تحولات آن‌ها همواره تحت‌تأثیر شرایط اقتصادی، الگوهای رشد شهری و سبک مصرف شهروندان قرار دارد؛ عواملی که به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی شهری اثرگذارند (Jamal et al., ۲۰۲۳). برای درک همه جانبه این تحولات و پرداختن به مسائل شهری، اتخاذ رویکردی کل‌نگر ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است تا ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در تحلیلی یکپارچه ادغام شوند (Mahabir et al., ۲۰۱۶). از این دیدگاه، فضاهای شهری موجودیت‌هایی گفتمانی با کیفیت‌هایی عینی و حسی هستند که بستر بازتولید روابط اجتماعی را در چارچوب نظام‌های فضایی خود شکل می‌دهند (Jabareen & Eizenberg, ۲۰۲۱). در بطن چنین فضاهایی، دو مفهوم معماری و هویت شهری در پیوندی ناگسستنی با یکدیگر معنا می‌یابند؛ چراکه معماری تجلی کالبدی فرهنگ و هویت شهری تجسم معنایی آن در بستر زمان است. جین جیکوبز هویت و حیات محیط شهری را در گرو سرزندگی عرصه‌های عمومی دانسته و سه اصل پویایی فضا، تقویت پیوندهای همسایگی در مقام حافظ ارزش‌ها، و مرکزیت خیابان به عنوان شالوده ساختار کالبدی شهر را مطرح می‌سازد. سالواسن نیز هویت را برآمده از منظر، اصالت، درهم‌تنیدگی جمعی و شخصیت کالبدی دانسته (Kashi & Bonyadi, ۲۰۱۳) و کالن بر تشخص بصری و پرهیز از یکنواختی در کالبد معماری تأکید می‌ورزد. در رویکردی ساختاریافته‌تر، بهزادفر هویت شهری را محصول تعامل همزمان مؤلفه‌های طبیعی (موقعیت اقلیمی و جغرافیایی)، مؤلفه‌های کالبدی–معماری (شامل منظر عمومی، تک‌بناها، نشانه‌های

تاریخی، شاخص‌های کانونی و فضاهای باز شهری) و مؤلفه‌های انسانی (پیشینه زیستی، باورها و آداب‌ورسوم) معرفی می‌کند (Behzadfar, ۲۰۱۳).

در سطحی عمیق‌تر، پیوند میان مؤلفه‌های معماری و هویت شهری در مفهومی تحت عنوان هویت مکانی متبلور می‌شود؛ سازه‌ای شناختی، عاطفی و رفتاری که احساس دلبستگی، تعلق و خاطرات جمعی انسان را با کالبد ملموس شهر گره می‌زند (Bott et al., ۲۰۰۳; Knez et al., ۲۰۱۸; Ujang, ۲۰۱۷). این مفهوم به دلیل تأثیرگذاری مستقیم بر ادراک محیطی و رفاه روان‌شناختی، اهمیتی بنیادین در برنامه‌ریزی شهری دارد و بعد عاطفی آن ارتباط تنگاتنگی با کیفیت زیست‌پذیری محیط برقرار می‌سازد (Knez et al., ۲۰۱۸). هویت مکانی ساختاری چند وجهی در بازتاب درون‌مایه‌های اجتماعی و فرهنگی است (Qazimi, ۲۰۱٤) که مرجعی برای بازشناسی فرد در بستر جامعه فراهم می‌آورد (Azimpour et al., ۲۰۲٤)، گرچه شدت آن متأثر از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نظیر سن و سطح تحصیلات متغیر است (Tournois & Rollero, ۲۰۲۰). در این میان، محیط ساخته شده و زبان معماری، نقش واسط میان عینیت و ذهنیت را در تثبیت هویت شهری ایفا می‌کنند (Hauge, ۲۰۰۷)؛ به طوری‌که عناصر کالبدی–معماری نظیر نشانه‌ها، مسیرها، لبه‌ها و گره‌ها با خلق تمایز فضایی و غنای بصری، ارکان اصلی شکل‌گیری هویت مکانی به شمار می‌روند (Shamsuddin, ۱۹۹۷). ارزیابی این مفاهیم مستلزم سنجش توأم روابط شخصی، محیط کالبدی و تعهد رفتاری (Ernawati, ۲۰۱۸) در کنار واکاوی ابعاد شناختی، حسی و مفهومیِ نهفته در فضا و معماری است(Strandberg & Styvén, ۲۰۲٤).

در امتداد این تعاریف، هم‌افزایی مؤلفه‌های معماری و هویت شهری نقشی راهبردی در بازآفرینی بافت‌ها، تاب‌آوری اقتصادی و توسعه گردشگری پایدار ایفا می‌کند (Ujang, ۲۰۱۲). معماری سنتی و نشانه‌های هویتی زمانی می‌توانند شهر را به مقصدی رقابت‌پذیر و معنادار برای گردشگران بدل سازند که لایه‌های تاریخی، حافظه جمعی و روایت‌های فضایی نهفته در کالبد بناها، در تجربه ادراکی و حسی مخاطب فعال و بازنمایی شوند (Torabi et al., ۲۰۲۵; Varesi et al., ۲۰۲۳). رویکرد بازآفرینی شهری پایدار بستری فراهم می‌کند تا ضمن حفاظت از اصالت معماری بومی و ارزش‌های هویتی، نیازهای معاصر کارکردی و گردشگری نیز به طور همزمان پاسخ داده شوند (Sepe, ۲۰۱۰). بنابراین، ادغام عناصر معماری واجد ارزش با هویت کالبدی و اجتماعی شهر، نه تنها از فرسایش معنایی و کالبدی بافت‌های تاریخی پیشگیری می‌کند، بلکه با خلق تصویر ذهنی ماندگار و جذابیت بصری، پایه‌های پایداری اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی گردشگری شهری را تحکیم می‌بخشد. با این وجود، تحقق اهداف گردشگری پایدار صرفاً با اتکا به غنای تاریخی معماری و ارزش‌های انتزاعی هویت شهری حاصل نمی‌شود؛ چراکه یافته‌های متأخر علمی نشان داده‌اند اهمیت ادراکی عناصر معماری و هویتی در ذهن مخاطب، الزاماً هم‌ارز با کارایی و عملکرد واقعی آن‌ها در تجربه فضایی گردشگر نیست (Cao et al., ۲۰۲۵; Rosário et al., ۲۰۲٤). در واقع، بسیارند آثار و مؤلفه‌های معماری باارزش که به رغم وزن بالای هویتی، به دلیل گسست‌های فضایی، انزوای کالبدی، ناخوانایی و ضعف در دسترسی‌پذیری شبکه ارتباطی، از عملکرد فضایی پایینی در جذب، هدایت و ماندگاری گردشگران برخوردارند؛ پدیده‌ای که در متون علمی معاصر تحت عنوان (شکاف اهمیت–عملکرد) تبیین شده و نادیده‌انگاری آن به انحراف در اولویت‌بندی‌ها و اتلاف منابع می‌انجامد (Cao et al., ۲۰۲۵; Rosário et al., ۲۰۲٤). بر این اساس، اتخاذ رویکرد تحلیل فضایی ضرورتی گریزناپذیر است تا بتوان چیدمان، نحوه توزیع، میزان خوانایی و پیوستگی شبکه مؤلفه‌های معماری و شاخص‌های هویت شهری را در مقیاس کلان سنجید و چارچوبی عملیاتی برای ارتقای یکپارچه گردشگری پایدار تدوین نمود.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش، (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

در حوزه مورد بررسی پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده که در ذیل به تعدادی از آن‌ها اشاره خواهد شد: در حوزه مطالعات کالبدی و هویت شهری، نتایج حاصل از یک پژوهش پیرامون مقایسه پل‌های گردشگری تاریخی و معاصر نشان می‌دهد که در سازه‌های تاریخی، ویژگی‌های کالبدی و تزئینات با محوریت تعاملات خانوادگی نقش پررنگی در تعلق مکانی داشته‌اند، در حالی که در نمونه‌های معاصر، هم‌جواری عملکردهای تفریحی، تجاری و گردشگری ضریب مؤلفه‌های اجتماعی و فضایی هویت را ارتقا بخشیده است (Naseri et al., ۲۰۲۶). پژوهشی دیگر نشان داد که توسعه گردشگری شهری در گرو ساماندهی یکپارچه هویت تاریخی و منظر فرهنگی است و بر تقویت انسجام بصری، بازطراحی نظام نشانه‌گذاری و ارتقای روایت‌های هویتی برای بهبود تجربه گردشگران تأکید دارد (Saeedi et al., ۲۰۲۵). همچنین در مطالعه‌ای مشخص شد که کاربست اصول معماری پایدار و طراحی شهری متناسب با بافت، از طریق ارتقای کیفیت فضاهای عمومی، افزایش رضایت گردشگران و تقویت حس تعلق مکانی، زمینه‌ساز توسعه‌ای متوازن و پایدار در گردشگری شهری می‌شود (Amiri, ۲۰۲۵). در زمینه مداخله در بافت‌های تاریخی، نتایج پژوهشی حاکی از آن است که معماری میان‌افزا با اتکا به الگوی زمینه‌گرا و پاسخ‌گویی به ابعاد روان‌شناختی، تعادلی معنادار میان جنبه‌های عینی و ذهنی هویت برقرار ساخته و موجب ارتقای کیفیت محیطی می‌گردد (Naghdbishi & Afsar, ۲۰۲۵).

افزون بر این، در پژوهشی پیرامون ارزیابی محورهای تاریخی–گردشگری این نتیجه حاصل شد که شاخص‌های دسترسی‌پذیری مناسب، خدمات زیرساختی و ارزش‌های زیبایی‌شناختی بیشترین اولویت را در بهبود کیفیت فضا و بازیابی هویت مکانی دارند و هماهنگی ابعاد کالبدی–محیطی ضامن پویایی فضایی و جذب گردشگران است (Azimpour et al., ۲۰۲۴). از منظر تصویر ذهنی و میراث معماری، یافته‌های یک مطالعه بر روی ادراک گردشگران نشان داد که علی‌رغم اهمیت ذاتیِ معیارهای تمایز کالبدی و فرهنگ بومی، این شاخص‌ها در تصویر ذهنی مخاطبان کم‌رنگ ظاهر شده‌اند که این امر بیانگر غفلت از مؤلفه‌های هویتی در توسعه و ساماندهی فضایی مقاصد است (Amiri, ۲۰۲۰). در مقابل، نتایج پژوهشی با تحلیل ساختار کالبدی بافت‌های کهن آشکار ساخت که عناصر شاخص شهری (نظیر مساجد جامع، بازارهای تاریخی و میادین مرکزی) به ترتیب دارای بیشترین اولویت‌های ارزشیِ احساسی، تاریخی و کاربردی بوده و با تعریف دقیق محورهای گردشگری پیرامون این میراث معماری، می‌توان به احیای هویت تاریخی و رونق اقتصادی دست یافت (Abbaszadeh et al., ۲۰۱۵).

در مطالعه‌ای ا با عنوان «واکاوی پیشران‌های مؤثر بر توسعه گردشگری کلان‌شهر رشت مبتنی بر رویکرد آینده‌پژوهی» به این نتایج دست یافتند که با توجه به وضعیت پراکندگی متغیرها، توسعه گردشگری کلان‌شهر رشت ناپایدار است

(Javan et al., ۲۰۲۱). در ادامه نیز در پژوهشی با محوریت تحلیل عوامل مؤثر در پایداری کسب‌وکارهای گردشگری روستای ماسوله نشان دادند عوامل فرهنگی ـ تاریخی، کالبدی ـ معماری، مدیریتی ـ حفاظتی، اقتصادی ـ اجتماعی و فناورانه، در قالب یک نظام یکپارچه عمل می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که تقویت هر یک از آن‌ها به ارتقای سایر عوامل می‌انجامد و در نهایت پیامدهای چندبعدی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی ـ فرهنگی، کالبدی ـ معماری و مدیریتی ـ نهادی را به همراه خواهد داشت. در این چارچوب، راهکارهای جامعی در چهار عرصه مدیریتی ـ برنامه‌ریزی، اقتصادی ـ معیشتی، فرهنگی ـ آموزشی و بازاریابی معرفی و طراحی شده است که اجرای هماهنگ آن‌ها، توسعه پایدار گردشگری در این روستای تاریخی را تضمین می‌کند (Javan & Naimabadi, ۲۰۲۵). از سوی دیگر، در پژوهشی با عنوان «نقش هویت تاریخی اماکن گردشگری سیستان در توسعه اقتصادی نواحی روستایی زهک» به‌ترتیب شاخص‌های ترغیب فعالیت‌های کارآفرینی در روستا با میانگین ۳/۶۷، مستعد شدن منطقه جهت سرمایه‌گذاری برای استفاده از گردشگری با میانگین ۳/۵۶، ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری اقتصادی دولت در روستا با میانگین ۳/۵۴، ایجاد اشتغال در بخش‌های مختلف در روستا با میانگین ۳/۴۵، بالا رفتن نرخ رشد بخش‌های مختلف اقتصادی در روستا و شاخص انگیزه سرمایه‌گذاری مردم در سطح روستا با میانگین ۳/۴۰، ایجاد زمینه‌های نو برای جذب سرمایه‌گذاری در روستا با میانگین ۳/۳۰، و امنیت اشتغال در روستا با میانگین ۳/۲۳، بالاترین و پایین‌ترین میانگین‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. در ادامه نیز با استفاده از آزمون T تک‌نمونه‌ای به میزان نقش هویت تاریخی اماکن گردشگری در توسعه اقتصادی روستاهای زهک پرداخته شد. در تمامی شاخص‌ها میانگین‌های به‌دست‌آمده بالاتر از حد میانه عدد ۳ می‌باشد. در واقع نتایج بیانگر نقش زیاد هویت تاریخی اماکن گردشگری سیستان در توسعه اقتصادی روستاهای زهک است. همچنین نتایج نشان می‌دهد در بین اماکن گردشگری مطرح‌شده، به‌ترتیب مکان شهر سوخته با وزن به‌دست‌آمده ۰/۳۰، چاه‌نیمه با وزن ۰/۲۹۱، کوه خواجه با وزن ۰/۱۴۹، قلعه سام با وزن ۰/۱۴۵ و در نهایت زاهدان کهنه با وزن ۰/۱۱۵، بالاترین و پایین‌ترین وزن‌ها را به خود اختصاص داده‌اند (Pourramazan et al., ۲۰۱۷).

در مطالعات بین‌المللی، یافته‌های پژوهشی نشان داد که منظر شهری واجد ظرفیتی فراتر از مرزهای قومی و تمایزهای محلی است و به‌عنوان مؤلفه‌ای اصلاح‌کننده، پیونددهنده رفتارهای اجتماعی و تقویت‌کننده هویت شهری عمل می‌کند (Osman et al., ۲۰۲۳; Sacli, ۲۰۲۲). در همین چارچوب، نتایج حاصل از مطالعه‌ای دیگر تأکید دارد که بازآفرینی فضاهای عمومی نیازمند بهره‌گیری از سنت‌های بومی شهرسازی و حفظ بسترهای تعامل اجتماعی ـ فرهنگی است (Stepanchuk et al., ۲۰۲۱). با این وجود، پژوهشی با واکاوی روند نوسازی‌های شهری نشان داد مداخلات کالبدی شتاب‌زده و تخریب بافت اولیه، زوال هویت تاریخی مکان را در پی دارد(Boussaa, ۲۰۲۰) ؛ در حالی که در پژوهشی دیگر این نتیجه حاصل شد که تکیه بر حافظه فرهنگی شهروندان و حفاظت از ابنیه نمادین، مؤثرترین رویکرد برای تقویت حس مکان و پایداری محیط‌های شهری به شمار می‌رود (Hussein et al., ۲۰۲۰). در نهایت، یافته‌های یک بررسی پیرامون عرصه‌های تاریخی مشخص ساخت که برنامه‌ریزی یکپارچه و ساماندهی فضایی میادین سنتی، تعادل ازدست‌رفته میان ابعاد اقتصادی، پویایی اجتماعی و حفاظت از میراث معماری را در مقیاس شهری بازمی‌گرداند (Zagroba et al., ۲۰۲۰).

در یک جمع‌بندی نهایی، پیشینه پژوهش عمدتاً بر نقش عناصر کالبدی و هویتی در تعلق مکانی، بازآفرینی بافت‌های تاریخی، معماری پایدار، منظر شهری و حافظه فرهنگی متمرکز است و مطالعاتی مانند ناصری و همکاران (۲۰۲۶)، سعیدی و همکاران (۲۰۲۵)، امیری (۲۰۲۵)، نقدبیشی و افسر (۲۰۲۵)، آزیم‌پور و همکاران (۲۰۲۴)، عباس‌زاده و همکاران (۲۰۱۵)، عثمان و همکاران (۲۰۲۳)، استپانچوک و همکاران (۲۰۲۱)، بوسا (۲۰۲۰)، حسین و همکاران (۲۰۲۰) و زاگروبا و همکاران (۲۰۲۰) هر یک به جنبه‌ای از این رابطه پرداخته‌اند؛ اما هیچ‌یک به‌طور مشخص به تحلیل فضایی هم‌افزای مؤلفه‌های معماری و هویت شهری در یک شهر میان‌راهی و کوچک‌مقیاس مانند گرمسار، که با پدیده معبر بودن و پراکندگی فضایی عناصر هویتی مواجه است، نپرداخته‌اند. شکاف اصلی پژوهش حاضر آن است که مطالعات

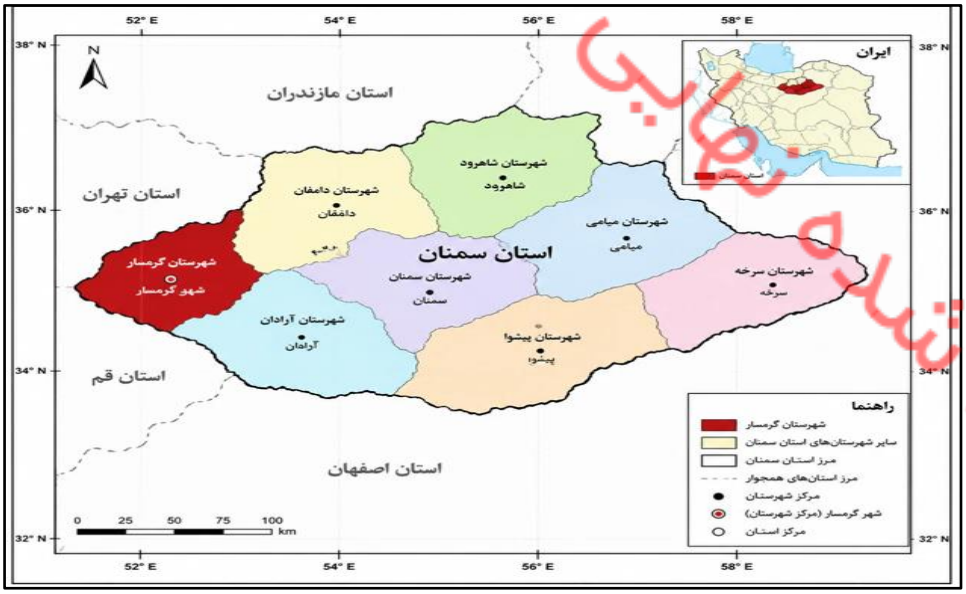
پیشین یا در مقیاس تک‌بنا و تک‌محور باقی مانده‌اند، یا فاقد رویکرد ترکیبی کیفی ـ کمی ـ فضایی برای شناسایی، اعتبارسنجی و پهنه‌بندی اولویت‌دار مؤلفه‌های هویتی هستند و نقش این مؤلفه‌ها را در تبدیل یک شهر گذرگاهی به مقصد گردشگری پایدار، به‌ویژه با اتکا به تحلیل فضایی مبتنی بر GIS و مدل‌سازی معادلات ساختاری، مورد واکاوی قرار نداده‌اند.

مواد و روش‌ها

محدوده مورد مطالعه

شهرستان گرمسار در غربی‌ترین بخش استان سمنان و در حاشیه کویر مرکزی ایران، در مختصات تقریبی ۳۵ درجه و ۱۳ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی، در مسیر راهبردی محور تهران–مشهد قرار گرفته است؛ این شهرستان از شمال و غرب با استان تهران، از جنوب‌غرب با استان قم و از جنوب با استان اصفهان هم‌مرز است و از شرق به شهرستان آرادان در استان سمنان محدود می‌شود. از نظر سیاسی، گرمسار یکی از شهرستان‌های استان سمنان است که مرکز آن شهر گرمسار می‌باشد و به دلیل نزدیکی به پایتخت و قرارگیری در کریدور ارتباطی شرق کشور، از جایگاه جغرافیایی، اقتصادی و ترانزیتی مهمی برخوردار است.

شهر گرمسار به واسطه پیشینه تاریخی، بافت و عناصر معماری سنتی، فضاهای شهری و نشانه‌های فرهنگی، دارای مؤلفه‌های قابل‌توجهی از هویت شهری است. ویژگی‌های معماری متأثر از شرایط اقلیمی و استفاده از عناصر و مصالح بومی، در کنار بناها و فضاهای تاریخی، بخشی از سیمای هویتی شهر را شکل داده‌اند. این ظرفیت‌ها می‌توانند از طریق تقویت خوانایی و تمایز مکانی، ارتقای تجربه گردشگر و حفاظت از میراث کالبدی و فرهنگی، در توسعه گردشگری پایدار شهری نقش داشته باشند. ازاین‌رو، شهر گرمسار به‌عنوان محدوده مورد مطالعه، بستر مناسبی برای بررسی نقش مؤلفه‌های معماری و هویت شهری در ارتقای گردشگری پایدار است.



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی شهر گرمسار در استان سمنان، منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۵

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر رویکرد توصیفی–تحلیلی و از نظر روش، ترکیبی (کیفی–کمی) است. فرایند انجام پژوهش در چهار مرحله کیفی، دلفی فازی، کمی و تحلیل فضایی مبتنی بر GIS طراحی شده است.

تایید شده نهایی نیاز پایان الکترونیک

از این رو، در مرحله نخست، به منظور شناسایی مؤلفه‌های معماری و هویت شهری گرمسار، از روش نظریه زمینه‌ای (گراندد تئوری) استفاده شد. جامعه آماری این مرحله شامل سه گروه بود: نخست، متخصصان و نخبگان شهری در حوزه‌های معماری، شهرسازی، گردشگری و برنامه‌ریزی شهری؛ دوم، ساکنان محلی و مطلعین کلیدی؛ و سوم، راهنمایان محلی گردشگری. دلیل انتخاب این ترکیب، نیاز به استخراج مؤلفه‌های هویتی از دو منظر تخصصی و تجربی بود تا هم دانش فنی و هم حافظه جمعی و تجربه زیسته ساکنان پوشش داده شود. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری، ۱۵ نفر انتخاب شدند و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و عمیق تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. معیارهای ورود به نمونه شامل داشتن حداقل مدرک کارشناسی ارشد برای متخصصان، حداقل ۱۰ سال سابقه فعالیت حرفه‌ای یا پژوهشی، سکونت بیش از ۲۰ سال برای ساکنان محلی، و داشتن تجربه راهنمایی گردشگری در گرمسار برای راهنمایان بود. در این راستا، متخصصان دارای مدرک دکتری یا کارشناسی ارشد در رشته‌های معماری، شهرسازی، جغرافیا و گردشگری با میانگین سابقه ۱۵ سال؛ ساکنان محلی عمدتاً بالای ۵۰ سال با سکونت بیش از ۳۰ سال در محلات تاریخی؛ راهنمایان گردشگری با حداقل ۵ سال تجربه و آشنایی کامل با جاذبه‌های شهر. داده‌ها با کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و گزینشی تحلیل شد و هشت مؤلفه اصلی استخراج گردید.

پس از شناسایی کدهای اولیه، به منظور اعتبارسنجی و پالایش آن‌ها، از روش دلفی فازی استفاده شد. جامعه آماری این مرحله شامل ۳۵ نفر از متخصصان و خبرگان شهری در حوزه‌های معماری، برنامه‌ریزی شهری، گردشگری و شهرسازی بود. دلیل انتخاب این تعداد، نیاز به اجماع نظر خبرگان برای تأیید کدهای استخراج شده از مرحله کیفی و کاهش سوگیری فردی بود. معیارهای ورود شامل داشتن مدرک دکتری یا کارشناسی ارشد، حداقل ۱۰ سال سابقه تدریس یا پژوهش در حوزه‌های مرتبط، و آشنایی با شهر گرمسار و مسائل آن بود. نمونه‌گیری هدفمند و از میان اساتید دانشگاه، مدیران و کارشناسان اداره میراث فرهنگی، شهرداری و اداره راه و شهرسازی انجام شد. ویژگی‌های توصیفی: میانگین سنی ۴۵ تا ۶۰ سال، بیش از ۶۰ درصد دارای مدرک دکتری، و همگی دارای سابقه اجرایی یا پژوهشی در زمینه هویت شهری و گردشگری پایدار بودند. در این مرحله، هر یک از کدها در قالب پرسشنامه منعکس شد و از خبرگان خواسته شد تا میزان اهمیت هر کد را با متغیرهای زبانی (طیفی از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد») ارزیابی کنند. سپس متغیرهای زبانی با اعداد فازی مثلثی به داده‌های کمی تبدیل شدند.

در مرحله کمی، به منظور بررسی نقش مؤلفه‌های معماری و هویت شهری در ارتقای گردشگری پایدار شهر گرمسار، از مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) استفاده شد. جامعه آماری این بخش شامل ساکنان و گردشگران شهر گرمسار بود. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران و حداقل نمونه لازم ۲۰۰ نفر تعیین شد. دلیل انتخاب این حجم نمونه، کفایت آن برای تحلیل PLS-SEM بر اساس قاعده ۱۰ برابر تعداد مسیرها یا شاخص‌ها و همچنین امکان تعمیم نتایج به جامعه بزرگ‌تر بود. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و در دسترس بود. معیارهای ورود شامل سن بالای ۱۸ سال، سکونت حداقل یک سال در گرمسار برای ساکنان، و بازدید حداقل یک روزه از شهر برای گردشگران بود.

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته بر پایه شاخص‌های گردشگری پایدار در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، زیست‌محیطی و مدیریتی-کالبدی (مطابق جدول ۱)، و نیز مؤلفه‌های معماری و هویت شهری در هشت مؤلفه با طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت بود. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی شامل آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، میانگین واریانس استخراج شده، ماتریس فورنل-لارکر و... استفاده شد.

در مرحله تحلیل فضایی، به منظور بازنمایی مکانی نتایج مدل ساختاری، از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) استفاده شد. بر پایه نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری، وزن هر یک از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی بر اساس ضرایب مسیر و بارهای عاملی استخراج شد. این وزن‌ها مبنای تحلیل همپوشانی وزنی در GIS قرار گرفت و خروجی آن به صورت نقشه اولویت‌بندی پهنه‌های شهری تولید شد.

جدول ۱. شاخص‌های گردشگری پایدار (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

ابعاد گردشگری پایدار	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
بعد اقتصادی	رونق کسب‌وکار و درآمدزایی محلی	ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای ساکنان بومی، تنوع‌بخشی به درآمد خانوارهای محلی، افزایش سهم صنایع دستی و سوغات در سبد خرید گردشگران، سودآوری اقتصادی مستقیم برای مدیریت شهری
	توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و ماندگاری	افزایش مدت ماندگاری گردشگران در شهر گرمسار، حمایت مالی و معنوی از کسب‌وکارهای کوچک محلی، کاهش وابستگی اقتصاد شهری به بخش کشاورزی تک‌محصولی
بعد اجتماعی و فرهنگی	حفظ و احیای میراث فرهنگی و آیینی	حفظ و احیای سنت‌ها، آیین‌ها و مراسم محلی،ارتقای آگاهی فرهنگی گردشگران درباره تاریخ گرمسار، بازتولید هویت جمعی شهر در فضاهای تاریخی و مذهبی
	مشارکت اجتماعی و انسجام محلی	تقویت حس تعلق خاطر و افتخار به شهر در میان ساکنان، مشارکت فعال جوامع محلی در تصمیم‌گیری‌های گردشگری، برقراری عدالت در توزیع خدمات و امکانات گردشگری در سطح محلات
بعد زیست‌محیطی	صیانت از بوم‌شناسی و طبیعت شهری	حفاظت از یکپارچگی شبکه انهار و باغات انار و انجیر،صیانت از پیوستگی کالبدی و منظری اقلیمی بافت کهن، ترویج و رعایت الگوی مصرف بهینه آب در فضاهای گردشگری، حفظ سیمای طبیعی و کمربند سبز پیرامون شهر
	مدیریت زیست‌محیطی و پسماند	مدیریت و کاهش اصولی پسماندهای تولیدی در سایت‌های تاریخی، کنترل آلودگی‌های صوتی و محیطی در هسته کهن شهر، استفاده از مصالح سازگار با بوم و اقلیم در پروژه‌های مرمتی
بعد مدیریتی و کالبدی	ساماندهی کالبدی و فضایی ابنیه	ساماندهی و تجهیز استاندارد زیرساخت‌های گردشگری، ایجاد و توسعه مسیرهای پیاده‌راه امن در بافت تاریخی، ارتقای خوانایی کالبدی و کیفیت دسترسی به ابنیه و سایت‌ها، آرام‌سازی ترافیک و بهبود تردد در هسته کهن
	مدیریت یکپارچه و برندسازی شهری	یکپارچه‌سازی سیاست‌ها و عملکرد شهرداری و میراث فرهنگی، تدوین و اجرای برنامه‌های مؤثر برندسازی شهری گرمسار، ارتقای امنیت، رفاه و آرامش گردشگران در طول سفر

نتایج و بحث

شناسایی مولفه‌های معماری و هویت شهری گرمسار

به منظور شناسایی مولفه‌های معماری و هویت شهر گرمسار، از روش تئوری زمینه‌ای (مصاحبه با ۱۵ نفر) استفاده شد. بر اساس جدول (۱)، کدهای نهایی عبارت‌اند از: معماری هیدرولیکی و مدیریت منابع آب، میراث معماری صنعتی و انبارگاهی، هویت کالبدی شهر ایستگاه، ریخت‌شناسی بافت مسکونی بومی، فناوری و مصالح سازگار با بوم، خاطره جمعی و یادمان‌های آیینی، هویت بوم‌شناختی باغ‌شهری و ظرفیت هویت میراث و توسعه گردشگری.

جدول ۲. کدگذاری نظریه زمینه‌ای مؤلفه‌های معماری و هویت شهر گرمسار(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز
معماری هیدرولیکی و مدیریت منابع آب	مخازن ذخیره آب، ساختار فنی و هواکش‌ها، شبکه توزیع و جوی‌های سنتی	آب انبار بزرگ گرمسار، پاشیرهای سنتی، راه‌پله‌های عریض، بادگیرهای تهویه مخزن، روزنه‌های گنبد، کانال های کشاورزی، جوی‌های روباز، ساعت آبی محلی
میراث معماری صنعتی و انبارگاهی	ابنیه و تأسیسات دوران پهلوی، تجهیزات ذخیره‌سازی، ویژگی‌های سازه‌ای و مصالح	کارخانه تاریخی پنبه‌پاک‌کنی، سیلوهای غلات، بندکشی‌های آجری، سقف‌های شیروانی فلزی، خرپاهای چوبی، نورگیرهای مرتفع، سازه‌های بتنی صنعتی، دیوارهای قطور آجری
هویت کالبدی شهر ایستگاه	ایستگاه مرکزی راه‌آهن، تأسیسات فنی، تأثیر ساختار ریلی بر ریخت‌شناسی شهر	ایستگاه راه‌آهن گرمسار، برج‌های آب‌گیری لکوموتیو، خانه‌های سازمانی کارکنان، پل‌های زیرگذر و روگذر، سکوهای بارگیری، خطوط فرعی سوزن‌بانی، خاطره جمعی زائران، نقش ترانزیتی و تبادل کالا
ریخت‌شناسی بافت مسکونی بومی	سازمان‌دهی معابر ارگانیک، معماری اقلیمی، گونه‌شناسی مسکن کویری	بافت تاریخی قلعه‌نو، کوچه باغ های قدیمی، ساباط‌های آجری، هشتی‌های ورودی، حیاط مرکزی، ایوان‌های تابستان‌نشین، اتاق‌های زمستان‌نشین، دیوارهای چینه‌ای گلی
فناوری و مصالح سازگار با بوم	مصالح بوم‌آورد، فنون پوشش سقف و دهانه‌ها، تزیینات و آرایه‌های پوسته	خشت خام، آجر قزاقی، ملات گل و آهک، طاق و تویزه، طاق آهنگ، گنبدهای کلمبو، چوب سپیدار، نعل‌درگاه‌ها، اندود کاهگل، ازاره‌های سنگی، خطوط گچبری و سفیدکاری دور بازشوها

تایید نشده نهایی قبل از انتشار

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز
خاطره جمعی و یادمان‌های آیینی	فضاهای نمایش آیینی، مراکز مذهبی، تعاملات اجتماعی و رویدادها	تکیه های قدیمی محلی گرمسار، آیین تعزیه‌خوانی، مسجد جامع گرمسار، بقعه امامزاده اسماعیل، میدانگاه‌های محلی، جشن خرمن، مراسم صنایع دستی، بازارهای روز و هفتگی، فضاهای تبادل اخبار محله، جشن بومی برداشت خربزه و پنبه
هویت بوم‌شناختی باغ‌شهری	شبکه انهار و آبراهه‌ها، پیوستگی باغات با ساختار مسکونی، کمربندهای سبز	رودخانه حبله‌رود، جوی‌های آب زلال، باغ‌های انار و انجیر، درختان زیتون و توت، دیوارهای گلی باغ‌ها، پرچین‌های طبیعی، درختان توت و سپیدار، سپر دفاعی در برابر ریزگردها
ظرفیت هویت میراث و توسعه گردشگری	احیا و تغییر کاربری بناها، ساماندهی محیطی، راهبردهای توسعه گردشگری پایدار	تبدیل کارخانه به موزه، ایجاد مرکز همایش، احیای آب‌انبار برای کاربری فرهنگی، اقامتگاه بوم‌گردی، پیاده‌راه گردشگری، آرام‌سازی ترافیک هسته کهن، نورپردازی شبانه ابنیه، برندسازی صنایع دستی و سوغات بومی

جدول (۲)، نشان می‌دهد که مؤلفه‌های معماری و هویت شهری گرمسار در هشت مقوله گزینشی سازمان یافته‌اند که هر یک لایه‌ای متفاوت از هویت این شهر را بازنمایی می‌کند. معماری هیدرولیکی و مدیریت منابع آب با آب‌انبارها، پاشیرها، بادگیرها، کانال‌های سنتی و ساعت آبی، گرمسار را به عنوان شهری کویری معرفی می‌کند که هویت کالبدی و اجتماعی‌اش با مسئله آب گره خورده است. میراث معماری صنعتی و انبارگاهی با کارخانه پنبه‌پاک‌کنی، سیلوهای غلات، سازه‌های بتنی و سقف‌های شیروانی، نشان می‌دهد که این شهر در دوران پهلوی به کانون صنعت و انبارداری کشاورزی تبدیل شده است. هویت کالبدی شهر ایستگاه نیز با راه‌آهن، برج‌های آب‌گیری، خانه‌های سازمانی، پل‌ها و سکوهای بارگیری، گرمسار را به عنوان شهری راه‌آهنی و ترانزیتی معرفی می‌کند که ساختار ریلی آن بر ریخت‌شناسی و اقتصاد شهری اثر گذاشته است. این سه مقوله در مجموع نشان می‌دهند که هویت گرمسار تنها بر یک پایه بنا نشده، بلکه از تلاقی آب، صنعت و راه‌آهن شکل گرفته است.

سه مقوله بعدی، یعنی ریخت‌شناسی بافت مسکونی بومی، فناوری و مصالح سازگار با بوم، و خاطره جمعی و یادمان‌های آیینی، لایه‌های کالبدی، فنی و اجتماعی هویت را به هم پیوند می‌دهند. بافت قلعه‌نو، کوچه‌باغ‌های قدیمی، ساباط‌ها، هشتی‌ها، حیاط مرکزی، ایوان‌های تابستان‌نشین و اتاق‌های زمستان‌نشین، سازمان فضایی و معماری اقلیمی بومی را بازنمایی می‌کنند. مصالحی مانند خشت خام، آجر قزاقی، ملات گل و آهک، طاق و تویزه، گنبد کلمبو، چوب سپیدار و اندود کاهگل، دانش بومی و فناوری سازگار با اقلیم را نشان می‌دهند. در کنار این‌ها، تکیه‌های قدیمی، تعزیه‌خوانی، مسجد جامع، بقعه امامزاده اسماعیل، جشن خرمن، بازارهای روز و هفتگی و جشن برداشت خربزه و پنبه، حافظه جمعی و آیین‌های محلی را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت شهری معرفی می‌کنند. این سه مقوله حاکی از آن است که هویت گرمسار هم در کالبد و مصالح و هم در خاطره و آیین‌های مردم ریشه دارد.

در نهایت، دو مقوله هویت بوم‌شناختی باغ‌شهری و ظرفیت هویتی میراث و توسعه گردشگری، تصویر را کامل می‌کنند. هویت بوم‌شناختی با حبله‌رود، جوی‌های آب، باغ‌های انار و انجیر، درختان زیتون و توت، پرچین‌ها و نقش سپر دفاعی در برابر ریزگردها، پیوند شهر با آب و باغ را برجسته می‌سازد. مقوله ظرفیت هویتی میراث و توسعه گردشگری نیز با تبدیل کارخانه به موزه، ایجاد مرکز همایش، احیای آب‌انبار برای کاربری فرهنگی، اقامتگاه بوم‌گردی، پیاده‌راه گردشگری، آرام‌سازی ترافیک هسته کهن، نورپردازی شبانه ابنیه و برندسازی صنایع دستی و سوغات بومی، نشان می‌دهد که این هویت چندلایه می‌تواند به‌عنوان سرمایه‌ای برای بازآفرینی و توسعه گردشگری پایدار به کار گرفته شود.

از این رو، هویت شهری گرمسار ترکیبی است از شهر آبی کویری، شهر راه‌آهن و صنعت، شهر باغی و کشاورزی، و شهر آیین‌ها و خاطره جمعی؛ بنابراین هر برنامه‌ریزی برای حفظ یا بازآفرینی این هویت باید همزمان به آب، باغ، راه‌آهن، صنعت، مسکن بومی، مصالح، آیین‌ها و گردشگری توجه کند و از تمرکز صرف بر یک بنا یا یک محور پرهیز نماید.

در ادامه نیز به منظور اعتبار کدهای شناسایی شده، هر یک از آن‌ها در قالب پرسشنامه منعکس شد و با بهره‌گیری از روش دلفی فازی مورد ارزیابی و پالایش قرار گرفت. برای این منظور، پانلی متشکل از ۳۵ نفر از (متخصصان و خبرگان

شهری در حوزه: معماری، برنامه‌ریزی شهری، گردشگری و شهرسازی) تشکیل شد و از آنان خواسته شد تا میزان اهمیت هر یک از کدها را با استفاده از متغیرهای زبانی (طیفی از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد») ارزیابی نمایند. به منظور تبدیل این متغیرهای زبانی به داده‌های کمی قابل تحلیل، از اعداد فازی مثلثی استفاده گردید که امکان دقت بیشتر در انعکاس نظرات خبرگان را فراهم آورد. جداول (۳ و ۴)،

جدول ۳. دیدگاهٔ متخصصان در رابطه با کدهای نهایی در نظرسنجی اول (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

کد نهایی	کرانه بالا	کرانه وسط	کرانه پایین	میانگین سه کرانه	وضعیت
معماری هیدرولیکی و مدیریت منابع آب	۹۰/۰	۹۰/۰	۸۵/۰	۸۸/۰	تایید
میراث معماری صنعتی و انبارگاهی	۹۲/۰	۹۱/۰	۸۷/۰	۹۰/۰	تایید
هویت کالبدی شهر ایستگاه	۸۹/۰	۸۸/۰	۸۵/۰	۸۷/۰	تایید
ریخت‌شناسی بافت مسکونی بومی	۸۸/۰	۸۷/۰	۸۴/۰	۸۶/۰	تایید
فناوری و مصالح سازگار با بوم	۸۸/۰	۸۷/۰	۸۳/۰	۸۶/۰	تایید
خاطره جمعی و یادمان‌های آیینی	۹۰/۰	۰/۸۹	۰/۸۷	۸۸/۰	تایید
هویت بوم‌شناختی باغ‌شهری	۰/۸۶	۰/۸۷	۰/۸۳	۰/۸۵	تایید
ظرفیت هویت میراث و توسعه گردشگری	۰/۸۷	۰/۸۹	۰/۸۲	۰/۸۶	تایید

مطابق جدول (۳)، نتایج نشان می‌دهد که دیدگاه خبرگان در نظرسنجی اول درباره همه کدهای نهایی مؤلفه‌های معماری و هویت شهر گرمسار در وضعیت تأیید شده قرار گرفته و میانگین سه کرانه‌ای همه کدها بالاتر از ۰٫۸۵ است؛ این امر بیانگر اجماع بالای خبرگان و اعتبار قابل قبول کدهای استخراج شده است. بالاترین میانگین سه کرانه به میراث معماری صنعتی و انبارگاهی با ۰٫۹۰ اختصاص دارد و پس از آن معماری هیدرولیکی و مدیریت منابع آب و خاطره جمعی و یادمان‌های آیینی با ۰٫۸۸، هویت کالبدی شهر ایستگاه با ۰٫۸۷ و ریخت‌شناسی بافت مسکونی بومی، فناوری و مصالح سازگار با بوم و بازآفرینی میراث و توسعه گردشگری با ۰٫۸۶ قرار می‌گیرند؛ پایین‌ترین میانگین نیز مربوط به هویت بوم‌شناختی باغ‌شهری با ۰٫۸۵ است که آن نیز همچنان در سطح تأیید شده و مطلوب ارزیابی شده است. همچنین نزدیکی کرانه‌های پایین، وسط و بالا در همه کدها نشان‌دهنده پراکندگی اندک نظرات، قطعیت نسبی خبرگان است. در مجموع، جدول (۳)، تأیید می‌کند که هشت کد نهایی پژوهش از نظر خبرگان از روایی و اهمیت کافی برخوردارند و می‌توانند مبنای مراحل بعدی تحلیل و ارائه مدل نهایی قرار گیرند.

جدول ۴. دیدگاهٔ خبرگان در رابطه با کدهای نهایی در نظرسنجی دوم (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

کد نهایی	کرانه بالا	کرانه وسط	کرانه پایین	میانگین سه کرانه	وضعیت
معماری هیدرولیکی و مدیریت منابع آب	۸۰/۰	۷۰/۰	۶۵/۰	۷۲/۰	تایید
میراث معماری صنعتی و انبارگاهی	۸۰/۰	۷۵/۰	۷۰/۰	۷۵/۰	تایید
هویت کالبدی شهر ایستگاه	۸۰/۰	۷۵/۰	۷۰/۰	۷۵/۰	تایید
ریخت‌شناسی بافت مسکونی بومی	۸۱/۰	۷۰/۰	۶۵/۰	۷۲/۰	تایید
فناوری و مصالح سازگار با بوم	۸۵/۰	۸۰/۰	۷۰/۰	۷۸/۰	تایید
خاطره جمعی و یادمان‌های آیینی	۸۰/۰	۷۵/۰	۷۰/۰	۷۵/۰	تایید
هویت بوم‌شناختی باغ‌شهری	۸۵/۰	۸/۰	۷۵/۰	۸۰/۰	تایید
ظرفیت هویت میراث و توسعه گردشگری	۸۵/۰	۸/۰	۷۵/۰	۸۰/۰	تایید

تحلیل جدول (۴)، دیدگاه خبرگان در نظرسنجی دوم نشان می‌دهد که همه کدهای نهایی مؤلفه‌های معماری و هویت شهر گرمسار همچنان در وضعیت تأیید شده قرار دارند و میانگین سه‌کرانه‌ای آن‌ها بین ۰/۷۲تا ۰/۸۰ نوسان دارد؛ بالاترین میانگین سه کرانه به هویت بوم‌شناختی باغ‌شهری و ظرفیت هویت میراث و توسعه گردشگری با ۰/۸۰ اختصاص دارد و پس از آن فناوری و مصالح سازگار با بوم با ۰/۷۸میراث معماری صنعتی و انبارگاهی، هویت کالبدی شهر ایستگاه و

خاطره جمعی و یادمان‌های آیینی با ۰/۷۵ و در نهایت معماری هیدرولیکی و مدیریت منابع آب و ریخت‌شناسی بافت مسکونی بومی با ۰/۷۲ قرار می‌گیرند؛ نزدیکی کرانه‌های پایین، وسط و بالا در همه کدها نشان‌دهنده اجماع نسبی خبرگان، پراکندگی اندک نظرات و تداوم اعتبار کدهای استخراج شده است.

نقش مؤلفه‌های معماری و هویت شهری در ارتقای گردشگری پایدار شهر گرمسار

پس از شناسایی مولفه‌های معماری و هویت شهری با استفاده از روش تئوری زمینه‌ای و اعتباریابی با روش دلفی، برای بررسی نقش مولفه‌های معماری و هویت شهری در ارتقای گردشگری پایدار شهر گرمسار، از مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی استفاده شد. نتایج به شرح جداول ذیل مطرح شد.

جدول ۵. مولفه‌ها و شاخص‌های متغیر مستقل و وابسته (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

متغیر	مؤلفه	کد پرسش	شاخص
وابسته: گردشگری پایدار	اقتصادی	T۱	رونق کسب‌وکار و درآمدزایی محلی
		T۲	توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و ماندگاری
	اجتماعی	T۳	حفظ و احیای میراث فرهنگی و آیینی
		A۱	مشارکت اجتماعی و انسجام محلی
	زیست محیطی	A۲	صیانت از بوم‌شناسی و طبیعت شهری
		A۳	مدیریت زیست‌محیطی و پسماند
	مدیریتی-کالبدی	J۱	ساماندهی کالبدی و فضایی ابنیه
		J۲	مدیریت یکپارچه و برندسازی شهری
متغیر مستقل	مولفه های معماری هویت شهری	F۱	معماری هیدرولیکی و مدیریت منابع آب
		F۲	میراث معماری صنعتی و انبارگاهی
		F۳	هویت کالبدی شهر ایستگاه
		F٤	ریخت‌شناسی بافت مسکونی بومی
		F٥	فناوری و مصالح سازگار با بوم
		F٦	خاطره جمعی و یادمان‌های آیینی
		F۷	هویت بوم‌شناختی باغ‌شهری
		F۸	ظرفیت هویت میراث و توسعه گردشگری

جدول ۶. بارهای عاملی مدل (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

مؤلفه	بار عاملی	T-Value
اقتصادی	۰/۸۸	۹/۴۵
اجتماعی	۰/۸۶	۸/۹۰
زیست محیطی	۰/۸۳	۷/۸۸
کالبدی	۰/۸۰	۷/۲۰
مولفه‌های هویت و معماری شهری	۰/۸۴	۸/۸۴

جدول ۷. بارهای عاملی شاخص‌های متغیر مستقل و وابسته (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

متغیر اصلی	مؤلفه	کد پرسش	شاخص	بارهای عاملی	T
وابسته: گردشگری پایدار	اقتصادی	T۱	رونق کسب‌وکار و درآمدزایی محلی	۰/۸۲	۱۳/۴۵
		T۲	توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و ماندگاری	۰/۷۶	۱۰/۱۸
	اجتماعی	T۳	حفظ و احیای میراث فرهنگی و آیینی	۰/۷۹	۱۱/۷۲
		A۱	مشارکت اجتماعی و انسجام محلی	۰/۸۰	۱۲/۳۱
	زیست محیطی	A۲	صیانت از بوم‌شناسی و طبیعت شهری	۰/۷۴	۹/۲۴
		A۳	مدیریت زیست‌محیطی و پسماند	۰/۷۷	۱۰/۶۵
	مدیریتی-کالبدی	J۱	ساماندهی کالبدی و فضایی ابنیه	۰/۷۸	۱۱/۰۴
		J۲	مدیریت یکپارچه و برندسازی شهری	۰/۷۳	۸/۸۵
	مولفه های معماری هویت شهری	F۱	معماری هیدرولیکی و مدیریت منابع آب	۰/۷۶	۱۰/۱۹

تایید شده نهایی قبل از انتشار الکترونیکی

متغیر اصلی	مؤلفه	کد پرسش	شاخص	بارهای عاملی	T
متغیر مستقل		F۲	میراث معماری صنعتی و انبارگاهی	۰/۷۵	۹/۱۷
		F۳	هویت کالبدی شهر ایستگاه	۰/۷۲	۸/۴۰
		F٤	ریخت‌شناسی بافت مسکونی بومی	۰/۷۰	۷/۶۸
		F٥	فناوری و مصالح سازگار با بوم	۰/۸۱	۱۲/۸۸
		F٦	خاطره جمعی و یادمان‌های آیینی	۰/۷۷	۱۰/۵۲
		F۷	هویت بوم‌شناختی باغ‌شهری	۰/۷۴	۹/۱۵
		F۸	ظرفیت هویت میراث و توسعه گردشگری	۰/۷۶	۱۰/۲۲

تحلیل بارهای عاملی مدل در جدول (۶)، نشان می‌دهد که هر چهار مؤلفه اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی و مولفه‌های معماری و هویت شهری از بارهای عاملی بالایی برخوردارند و همه آن‌ها در سطح ۰/۰۰۱معنادار هستند.
در ادامه نیز، تحلیل بارهای عاملی در جدول (۷)، شاخص‌های متغیر مستقل و وابسته نیز نشان می‌دهد که همه کدهای پرسش از بار عاملی قابل‌قبول و معنادار برخوردارند. در متغیر وابسته گردشگری پایدار، شاخص رونق کسب‌وکار و درآمدزایی محلی با بار ۰/۸۲ و T برابر ۱۳/۴۵بالاترین سهم را دارد و پس از آن مشارکت اجتماعی و انسجام محلی با ۰/۸۰ حفظ و احیای میراث فرهنگی و آیینی با ۰/۷۹ساماندهی کالبدی و فضایی ابنیه با ۰/۷۸ مدیریت زیست‌محیطی و پسماند با ۰/۷۷ توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و ماندگاری با ۰/۷۶ صیانت از بوم‌شناسی و طبیعت شهری با ۰/۷۴ و مدیریت یکپارچه و برندسازی شهری با ۰/۷۳ قرار می‌گیرند. در متغیر مستقل مؤلفه‌های معماری هویت شهری، شاخص فناوری و مصالح سازگار با بوم با بار ۰/۸۱ و T برابر ۱۲/۸۸قوی‌ترین شاخص است و پس از آن خاطره جمعی و یادمان‌های آیینی با ۰/۷۷ معماری هیدرولیکی و مدیریت منابع آب و ظرفیت هویت میراث و توسعه گردشگری هر دو با ۰/۷۶ میراث معماری صنعتی و انبارگاهی با ۰/۷۵ هویت بوم‌شناختی باغ‌شهری با ۰/۷۴ هویت کالبدی شهر ایستگاه با ۰/۷۲ و در نهایت ریخت‌شناسی بافت مسکونی بومی با ۰/۷۰ قرار دارد. همه مقادیر T بالاتر از ۷ بوده و در سطح ۰/۰۰۱ معنادار هستند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مدل اندازه‌گیری از برازش مناسب برخوردار است و همه شاخص‌ها به عنوان معرف‌های معتبر برای سازه‌های پژوهش قابل اتکا هستند، هرچند شاخص‌های اقتصادی در متغیر وابسته و شاخص فناوری و مصالح بومی در متغیر مستقل از بیشترین قدرت تبیین برخوردارند.

جدول ۸. پایایی و روایی سازه‌ها (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (CR)	میانگین واریانس (AVE)
اقتصادی	۰/۹۲	/۹۴	۰/۷۶
اجتماعی	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۷۴
زیست محیطی	۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۸۴
کالبدی	۰/۸۷	۰/۸۹	۰/۶۵
مولفه‌های هویت و معماری شهری	۰/۸۸	۰/۹۰	۰/۷۱

تحلیل جدول (۸)، پایایی و روایی سازه‌ها نشان می‌دهد که همه متغیرهای پژوهش از پایایی و روایی همگرای قابل‌قبولی برخوردارند؛ آلفای کرونباخ همه سازه‌ها بالاتر از ۰/۸۷ و پایایی ترکیبی آن‌ها بالاتر از ۰/۸۹و میانگین واریانس استخراج شده همه آن‌ها بالاتر از ۰/۶۵ است. در این میان، سازه اقتصادی با آلفای ۰/۹۲، پایایی ترکیبی ۰/۹۴ و AVE ۰/۷۶ بالاترین سطح پایایی و روایی را دارد و پس از آن سازه‌های اجتماعی، هویت و معماری شهری، زیست‌محیطی و کالبدی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. این نتایج بیانگر آن است که ابزار اندازه‌گیری از پایایی درونی و روایی همگرای مناسب برخوردار است، همه سازه‌ها به‌خوبی توسط شاخص‌های خود تبیین می‌شوند و مدل اندازه‌گیری برای تحلیل‌های بعدی از اعتبار کافی برخوردار است.

نسخه نهایی تایید شده

جدول ۹. ماتریس فورنل-لارکر (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

مولفه	اقتصادی	اجتماعی	زیست محیطی	کالبدی	هویت و معماری شهری
اقتصادی	۰/۸۷				
اجتماعی	۰/۷۸	۰/۸۶			
زیست محیطی	۰/۷۲	۰/۷۵	۰/۹۲		
کالبدی	۰/۶۸	۰/۷۱	۰/۷۰	۰/۸۱	
مولفه های هویت و معماری شهری	۰/۷۰	۰/۷۴	۰/۷۲	۰/۶۹	۰/۸۴

بر اساس جدول (۹)، تحلیل ماتریس همبستگی و روایی واگرا بر پایه معیار فورنل-لارکر نشان می‌دهد که مقدار جذر میانگین واریانس استخراج شده برای هر سازه در قطر اصلی، یعنی اقتصادی ۰/۸۷، اجتماعی ۰/۸۶، زیست‌محیطی ۰/۹۲، کالبدی ۰/۸۱، و هویت و معماری شهری ۰/۸۴،در همه موارد بزرگ‌تر از ضرایب همبستگی همان سازه با سایر سازه‌هاست؛ این بدان معناست که هر مؤلفه بیش از آنکه با سایر مؤلفه‌ها همپوشانی داشته باشد، با شاخص‌های خود تبیین می‌شود و بنابراین روایی واگرای مدل تأیید می‌گردد. در میان روابط میان سازه‌ها، بالاترین همبستگی مربوط به اقتصادی و اجتماعی با ۰/۷۸، و پس از آن اجتماعی و زیست‌محیطی با ۰/۷۵، اجتماعی و هویت و معماری شهری با ۰/۷۴، اقتصادی و زیست‌محیطی و نیز زیست‌محیطی و هویت و معماری شهری هر دو با ۰/۷۲، است، در حالی که پایین‌ترین روابط به کالبدی و اقتصادی با ۰/۶۸ و کالبدی و هویت و معماری شهری با ۰/۶۹، اختصاص دارد. همه ضرایب مثبت، متوسط تا قوی و کمتر از ۰/۸۰، هستند، بنابراین ضمن تأیید همبستگی معنادار و منطقی میان ابعاد، خطر هم‌خطی چندگانه شدید نیز پایین ارزیابی می‌شود و مدل اندازه‌گیری از اعتبار افتراقی مناسب برخوردار است.

جدول ۱۰. ضرایب مسیر مدل ساختاری (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

مسیر علی	ضریب استاندارد(β)	T-Value	P-Value	نتیجه
هویت و معماری شهری در بعد اقتصادی گردشگری پایدار	۰/۳۸	۶/۴۲	۰/۰۰۱	تأیید
تاثیر هویت و معماری شهری در بعد اجتماعی گردشگری پایدار	۰/۳۴	۵/۸۸	۰/۰۰۱	تأیید
تاثیر هویت و معماری شهری در بعد زیست محیطی گردشگری پایدار	۰/۲۹	۴/۵۵	/۰۰۱	تأیید
تاثیر هویت و معماری شهری در بعد کالبدی گردشگری پایدار	۰/۲۴	۳/۸۲	۰/۰۰۱	تأیید

تحلیل جدول (۱۰)، نشان می‌دهد که هر چهار مسیر از متغیر مستقل هویت و معماری شهری به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی گردشگری پایدار مثبت، مستقیم و در سطح ۰/۰۰۱ معنادار هستند و بنابراین همه فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند. بر پایه ضریب استاندارد، هویت و معماری شهری بیشترین اثر را بر بعد اقتصادی گردشگری پایدار با ضریب ۰/۳۸ دارد و پس از آن به ترتیب بر بعد اجتماعی با ضریب ۰/۳۴بعد زیست‌محیطی با ضریب ۰/۲۹ و بعد کالبدی با ضریب ۰/۲۴ اثر می‌گذارد؛ همه مقادیر تی بالاتر از حد آستانه ۲/۵۸ قرار دارند و معناداری آماری روابط را تأیید می‌کنند. این یافته بیانگر آن است که هویت و معماری شهری، به ویژه از طریق مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی، نقش پیشران اصلی در ارتقای گردشگری پایدار ایفا می‌کند و اثر آن بر بعد کالبدی، با وجود معناداری، نسبتاً ضعیف‌تر است؛ بنابراین تقویت هویت و معماری شهری می‌تواند به طور همزمان به رونق اقتصادی، انسجام اجتماعی، صیانت زیست‌محیطی و ساماندهی کالبدی گردشگری پایدار کمک کند.

جدول ۱۱. شاخص‌های برازش مدل (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

شاخص	مقدار	مطلوب	وضعیت
SRMR	۰/۰۳	کمتر از ۰/۰۸	مطلوب
NFI	۰/۹۳	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
R^2گردشگری پایدار	۰/۶۸	بیشتر از ۰/۳۰	مطلوب
Q^2گردشگری پایدار	۰/۴۱	بیشتر از صفر	مطلوب
VIF	حداکثر ۲/۶۵	کمتر از ۵	مطلوب

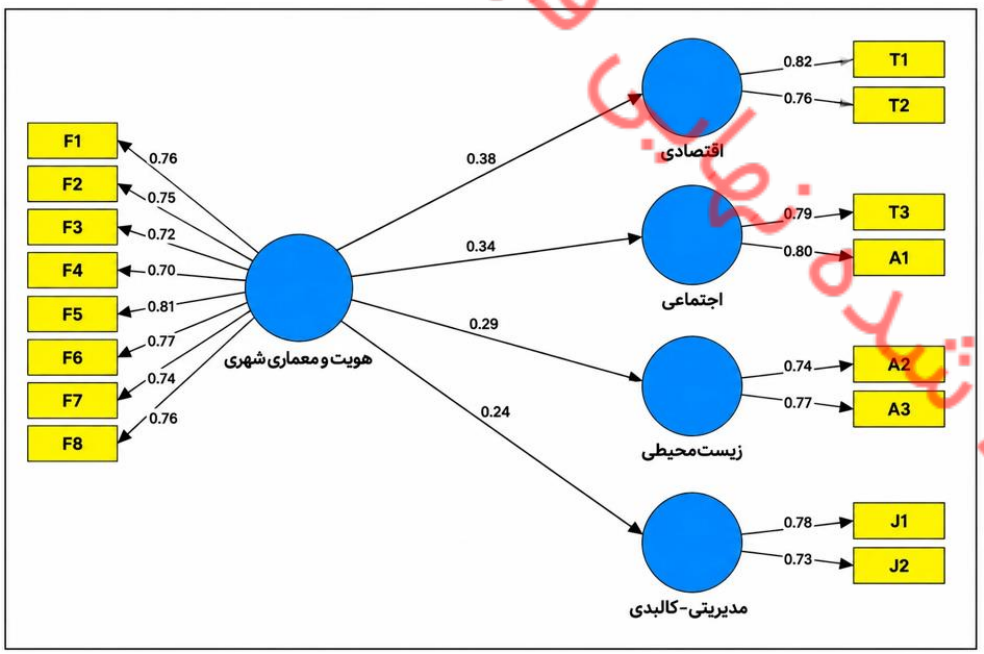
نسخه پذیرفته شده قبل از چاپ نهایی

جدول ۱۲. نتیجه‌گیری نهایی فرضیه‌ها (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

شماره	فرضیه	ضریب(β)	T-Value	نتیجه
H۱	تاثیر هویت و معماری شهری در بعد اقتصادی گردشگری پایدار	۰/۳۸	۶/۴۲	تأیید شد
H۲	تاثیر هویت و معماری شهری در بعد اجتماعی گردشگری پایدار	۰/۳۴	۵/۸۸	تأیید شد
H۳	تاثیر هویت و معماری شهری در بعد زیست محیطی گردشگری پایدار	۰/۲۹	۴/۵۵	تأیید شد
H٤	تاثیر هویت و معماری شهری در بعد کالبدی گردشگری پایدار	۰/۲۴	۳/۸۲	تأیید شد

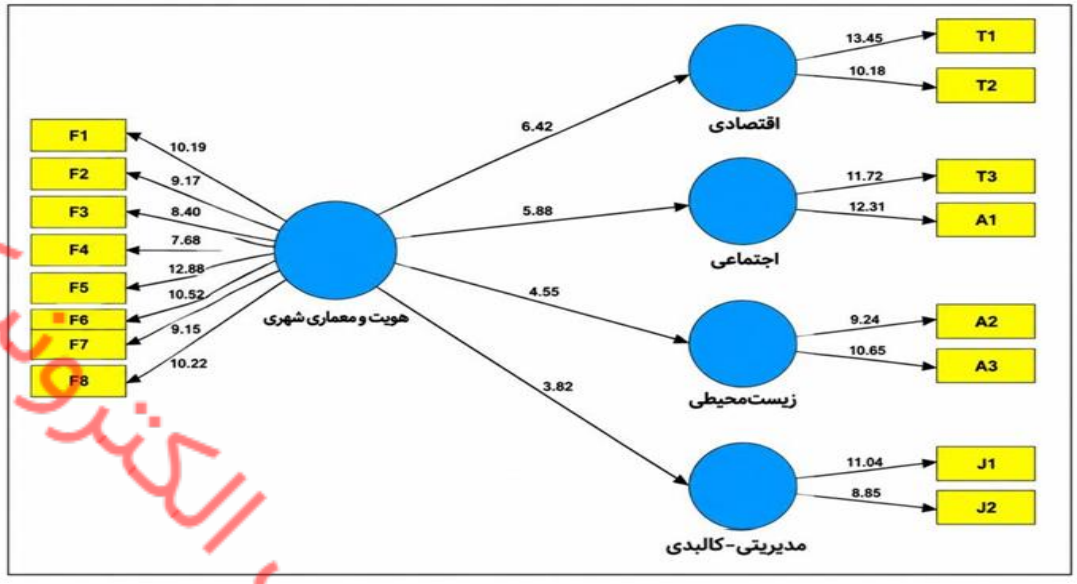
مطابق جدول (۱۱)، تحلیل شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهد که مدل ساختاری پژوهش از وضعیت مطلوب و قابل‌قبولی برخوردار است. مقدار SRMR برابر ۰/۰۳ و کمتر از حد آستانه ۰/۰۸است که برازش مناسب مدل را تأیید می‌کند. شاخص NFI برابر ۰/۹۳ و بالاتر از حد مطلوب قرار دارد و نشان می‌دهد مدل در مقایسه با مدل پایه توان تبیین بالایی دارد. ضریب تعیین برابر ۰/۶۸ است؛ به این معنا که متغیر مستقل هویت و معماری شهری توانسته است حدود ۶۸ درصد از واریانس متغیر وابسته گردشگری پایدار را تبیین کند که سطحی قوی و مطلوب محسوب می‌شود. شاخص Q^2 نیز برای گردشگری پایدار برابر ۰/۴۱، و بزرگ‌تر از صفر است که قدرت پیش‌بینی مدل را تأیید می‌کند. همچنین حداکثر مقدار VIF برابر ۲/۶۵و کمتر از ۵ است؛ بنابراین میان سازه‌های مدل هم‌خطی چندگانه شدید وجود ندارد و ضرایب مسیر از اعتبار کافی برخوردارند. در مجموع، این شاخص‌ها تأیید می‌کنند که مدل اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش از کیفیت مطلوبی برخوردار است و نتایج حاصل از آن قابل اتکا هستند.

همچنین بر اساس جدول (۱۲)، نتیجه‌گیری نهایی فرضیه‌ها، هر چهار فرضیه پژوهش تأیید شده‌اند و هویت و معماری شهری بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی گردشگری پایدار اثر مثبت، مستقیم و معنادار دارد. شدت این اثر به ترتیب برای بعد اقتصادی با ضریب ۰/۳۸ بعد اجتماعی با ۰/۳۴ بعد زیست‌محیطی با ۰/۲۹و بعد کالبدی با ۰/۲۴ است؛ بنابراین بعد اقتصادی بیشترین و بعد کالبدی کمترین تأثیر را دریافت می‌کنند. شکل (۳ و ۴)



شکل ۳. مدل اندازه‌گیری پژوهش با ضرایب بارهای عاملی معناداری شده، (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

تایید نهایی قبل از چاپ الکترونیک



شکل ۴. مدل اندازه‌گیری پژوهش با ضرایب T، (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

بر پایه یافته‌های پژوهش، مؤلفه‌های معماری و هویت شهری گرمسار را نمی‌توان تنها مجموعه‌ای از بناهای تاریخی یا عناصر کالبدی دانست؛ آن‌ها سرمایه‌ای فرهنگی و نمادین هستند که می‌توانند به عنوان پیشران گردشگری پایدار عمل کنند. معماری هیدرولیکی با آب‌انبارها، پاشیرها، بادگیرها و جوی‌های سنتی، روایتی از زندگی در اقلیم کویری و مدیریت هوشمند آب ارائه می‌دهد؛ روایتی که برای گردشگر امروز جذاب، آموزنده و متمایز است. میراث معماری صنعتی و انبارگاهی نیز لایه‌ای دیگر از هویت گرمسار را نشان می‌دهد؛ کارخانه پنبه‌پاک‌کنی، سیلوها و سازه‌های صنعتی می‌توانند به فضاهای موزه‌ای، رویدادی و آموزشی تبدیل شوند و گردشگری صنعتی و میراثی را رونق دهند. هویت شهر ایستگاه نیز با برج‌های آب‌گیری، خانه‌های سازمانی و پل‌ها، امکان شکل‌گیری مسیرهای گردشگری ریلی، روایت‌گری خاطره جمعی و پیوند با گردشگری زیارتی و ترانزیتی را فراهم می‌کند. این سه لایه در کنار هم می‌توانند محصول گردشگری گرمسار را از یک بازدید نقطه‌ای به یک تجربه چندلایه و ماندگار تبدیل کنند.

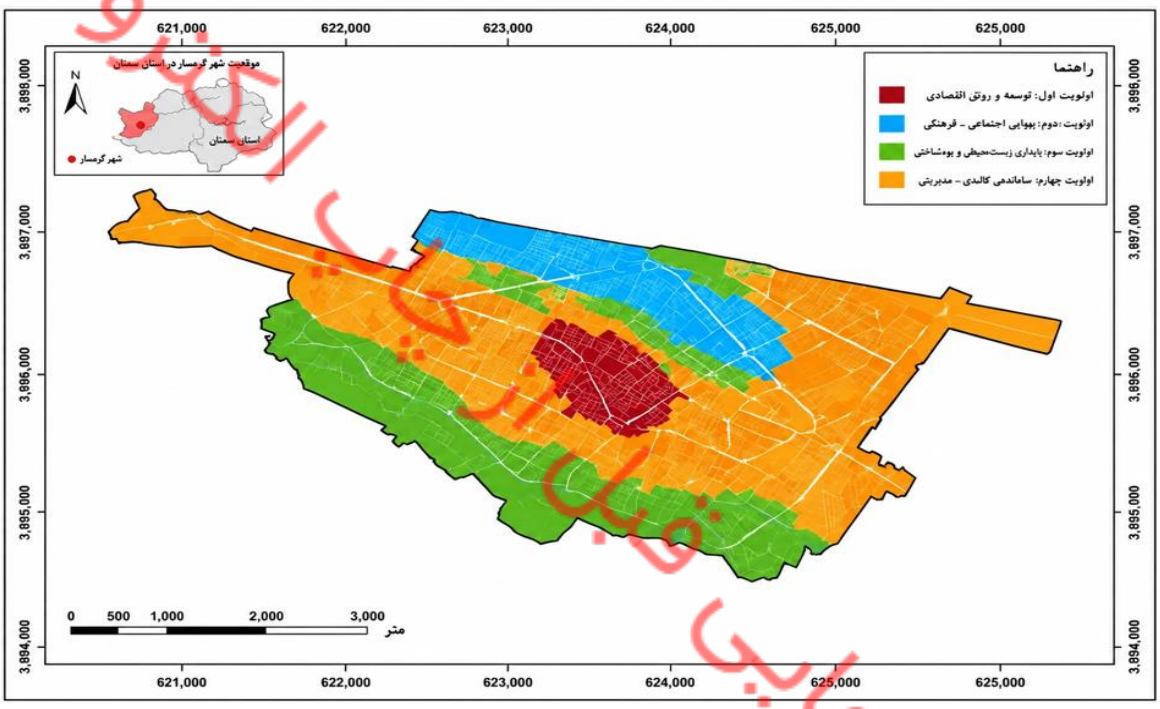
مؤلفه‌های اجتماعی، کالبدی و بوم‌شناختی هویت نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری گردشگری دارند. بافت مسکونی بومی با ساباط‌ها، هشتی‌ها، حیاط مرکزی و ایوان‌ها، همراه با مصالح سازگار با بوم مانند خشت، آجر قزاقی و طاق‌های آهنگ، تجربه‌ای اصیل از معماری اقلیمی را پیش روی گردشگر می‌گذارد و می‌تواند زمینه‌ساز اقامتگاه‌های بوم‌گردی، مسیرهای پیاده‌روی و کارگاه‌های آموزشی شود. خاطره جمعی و یادمان‌های آیینی مانند تعزیه، جشن خرمن، بازارهای محلی و آیین‌های برداشت، به میراث جان می‌بخشند و گردشگری را از حالت موزه‌ای صرف خارج می‌کنند؛ زیرا گردشگر در تعامل با مردم، آیین‌ها و زندگی روزمره، تجربه‌ای زنده و انسانی به دست می‌آورد. هویت بوم‌شناختی باغ‌شهری نیز با حیله‌رود، جوی‌های آب، باغ‌های انار و انجیر و کمربندهای سبز، گردشگری طبیعت‌محور، کشاورزی و دوچرخه‌سواری را تقویت می‌کند و همزمان به کاهش ریزگردها و بهبود کیفیت محیط کمک می‌رساند. این پیوند میان کالبد، خاطره و طبیعت، گردشگری گرمسار را پایدارتر، مشارکتی‌تر و مسئولانه‌تر می‌سازد.

در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهند که هویت و معماری شهری بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی گردشگری پایدار اثر مثبت و معنادار دارد؛ اما این اثر زمانی به پایداری واقعی می‌رسد که مؤلفه‌ها به صورت یکپارچه و نه جزیره‌ای مدیریت شوند. اگر آب، صنعت، راه‌آهن، مسکن بومی، مصالح، آیین‌ها و باغ‌شهری به عنوان یک شبکه به هم‌پیوسته دیده شوند، می‌توانند مسیرهای گردشگری متنوع، برند شهری متمایز، فرصت‌های شغلی محلی، مشارکت جامعه بومی و حفاظت از میراث را همزمان ایجاد کنند. در مقابل، تمرکز صرف بر یک بنا یا یک محور، بدون توجه به

نسخه الکترونیکی قابل چاپ نیست

بافت اجتماعی و زیست‌محیطی، گردشگری را به سمت تجاری‌سازی صرف و فرسایش هویت سوق می‌دهد. بنابراین، مؤلفه‌های معماری و هویت شهری گرمسار در صورتی می‌توانند به پیشران گردشگری پایدار تبدیل شوند که به عنوان میراث زنده، با مشارکت مردم، سیاست‌گذاری یکپارچه، حفاظت از اصالت و توجه به ظرفیت‌های محیطی مدیریت شوند؛ در این صورت، گردشگری ن ه‌فقط اقتصاد شهر را رونق می‌دهد، بلکه هویت، خاطره و پیوند جامعه با محیط را نیز تقویت می‌کند.

در ادامه، بر پایه ضرایب مسیر مدل ساختاری، وزن ابعاد گردشگری پایدار محاسبه و به عنوان مبنای وزن‌دهی لایه‌های مکانی در GIS به کار گرفته شد. (شکل ۵).



شکل ۵. تحلیل فضایی نقش مولفه‌های هویت و معماری شهری در گردشگری پایدار شهر گرمسار، (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

تحلیل فضایی در شکل (۵)، به منظور تبیین الگوی توزیع مکانی مؤلفه‌های هویت و معماری شهری و نقش آن‌ها در گردشگری پایدار شهر گرمسار تدوین شده است. این تحلیل بر پایه پهنه‌بندی عملکردی-راهبردی شهر به چهار محدوده اصلی استوار است: پهنه بافت تاریخی به عنوان هسته مرکزی هویت و خاطره جمعی؛ پهنه محور میراث صنعتی به عنوان کریدور میراث صنعتی و ترانزیتی؛ پهنه کمربند و شبکه آبراهه‌های سنتی به عنوان محور اکولوژیک و بوم‌گردی؛ و پهنه پیرامونی و توسعه به عنوان عرصه خدمات پشتیبان و گسترش کنترل‌شده گردشگری. این پهنه‌بندی نشان می‌دهد که مؤلفه‌های هویتی و معماری در شهر گرمسار از توزیعی خوشه‌ای و متمرکز برخوردارند و نه پراکنده و یکنواخت؛ به گونه‌ای که بافت تاریخی ناسار، محور صنعتی و کمربند باغ‌شهری، سه کانون اصلی هویت فضایی شهر را شکل می‌دهند.

از منظر تحلیل فضایی، این نقشه امکان شناسایی لکه‌های داغ هویتی، کریدورهای پیوند دهنده و گره‌های اتصال را فراهم می‌آورد. بافت تاریخی به واسطه تمرکز بالای عناصر معماری بومی، آیین‌ها و حافظه جمعی، بالاترین وزن هویتی را داراست و به عنوان پهنه اولویت‌دار حفاظت و بازآفرینی شناخته می‌شود. محور میراث صنعتی ظرفیت تبدیل به مسیر گردشگری صنعتی و موزه‌ای را داراست و می‌تواند به عنوان کریدور پیوند میان تاریخ، اقتصاد و گردشگری عمل کند. کمربند باغ‌شهری نیز با پیوستگی باغ‌ها، جوی‌ها، زمینه‌ساز گردشگری طبیعت‌محور، کشاورزی و دوچرخه‌سواری است و

همزمان کارکرد کاهش ریزگردها و بهبود کیفیت محیطی را ایفا می‌کند. پهنه پیرامونی نیز به عنوان عرصه توسعه خدمات، اقامتگاه‌ها و زیرساخت‌های پشتیبان گردشگری تعریف شده است تا از گسترش بی‌برنامه و فشار بر هسته تاریخی جلوگیری شود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر در بخش شناسایی مؤلفه‌های معماری و هویت شهری گرمسار نشان داد که این مؤلفه‌ها در هشت لایه بهم پیوسته شامل معماری هیدرولیکی، میراث صنعتی، هویت شهر ایستگاه، ریخت‌شناسی مسکونی بومی، فناوری و مصالح بوم‌آورد، خاطره جمعی و یادمان‌های آیینی، هویت بوم‌شناختی باغ‌شهری و ظرفیت هویتی میراث برای گردشگری سازمان می‌یابند. این نتیجه با پژوهش ناصری و همکاران (۲۰۲۶) همسو است که در مقایسه پل‌های گردشگری تاریخی و معاصر نشان دادند ویژگی‌های کالبدی، تزئینات و تعاملات خانوادگی در سازه‌های تاریخی نقش پررنگی در تعلق مکانی دارند. همچنین با سعیدی و همکاران (۲۰۲۵) همخوانی دارد که بر ساماندهی یکپارچه هویت تاریخی و منظر فرهنگی برای توسعه گردشگری شهری تأکید کردند. در همین چارچوب، امیری (۲۰۲۵) نیز کاربست معماری پایدار و طراحی شهری متناسب با بافت را عامل ارتقای کیفیت فضاهای عمومی، رضایت گردشگران و تقویت حس تعلق مکانی دانسته است. پژوهش حاضر این یافته‌ها را تأیید می‌کند، اما با رویکردی شبکه‌ای نشان می‌دهد که این مؤلفه‌ها در گرمسار به‌صورت جزیره‌ای و پراکنده باقی مانده‌اند و همین پراکندگی، مانع اصلی تبدیل هویت به گردشگری پایدار است.

درباره مؤلفه‌های کالبدی و تاریخی، نتایج پژوهش حاضر با عباس‌زاده و همکاران (۲۰۱۵) هم راستا است که عناصر شاخص شهری مانند مساجد جامع، بازارهای تاریخی و میادین مرکزی را دارای بیشترین اولویت ارزشی احساسی، تاریخی و کاربردی دانستند. یافته‌های این مطالعه نیز نشان می‌دهد که بافت تاریخی ناسار، محور صنعتی-ریلی و کمربند باغ‌شهری، سه کانون اصلی هویت فضایی گرمسار را شکل می‌دهند. با این حال، آزیمپور و همکاران (۲۰۲۴) بر دسترسی‌پذیری مناسب، خدمات زیرساختی و ارزش‌های زیبایی‌شناختی به عنوان اولویت‌های بهبود کیفیت فضا و بازیابی هویت مکانی تأکید کردند؛ یافته‌های حاضر نیز نشان می‌دهد که ضعف دسترسی‌پذیری و ناخوانایی فضایی، عملکرد گردشگری این عناصر را کاهش می‌دهد. همچنین امیری (۲۰۲۰) اشاره کرد که معیارهای تمایز کالبدی و فرهنگ بومی در تصویر ذهنی گردشگران کم‌رنگ ظاهر می‌شوند؛ پژوهش حاضر این شکاف را در قالب شکاف اهمیت–عملکرد تفسیر می‌کند و نشان می‌دهد که وزن هویتی بالای این عناصر، لزوماً به عملکرد فضایی بالای آن‌ها در جذب و ماندگاری گردشگر منجر نمی‌شود. در بعد اجتماعی و فرهنگی، یافته‌های این پژوهش با حسین و همکاران (۲۰۲۰) همسو است که تکیه بر حافظه فرهنگی شهروندان و حفاظت از ابنیه نمادین را مؤثرترین رویکرد برای تقویت حس مکان و پایداری محیط‌های شهری دانستند. نتایج حاضر نیز نشان می‌دهد که خاطره جمعی، آیین‌های محلی، تعزیه، جشن خرمن و بازارهای هفتگی، به عنوان لایه‌های معنایی هویت، نقش تعیین‌کننده‌ای در تجربه زنده گردشگر و تمایز گرمسار از سایر مقاصد دارند. استپانچوک و همکاران (۲۰۲۱) نیز بر بازآفرینی فضاهای عمومی با تکیه بر سنت‌های بومی شهرسازی و حفظ بسترهای تعامل اجتماعی-فرهنگی تأکید کردند. تورابی و همکاران (۲۰۲۵) و وارسی و همکاران (۲۰۲۳) نیز هویت مکانی و حفاظت محیطی را در گردشگری میراثی مؤثر دانستند. پژوهش حاضر این یافته‌ها را تأیید می‌کند، اما تفاوت آن در این است که نشان می‌دهد در گرمسار، بعد اجتماعی-فرهنگی نه‌تنها یک مؤلفه هویتی، بلکه یک پیشران اقتصادی غیرمستقیم است که از طریق مشارکت جامعه محلی و انسجام اجتماعی به پایداری گردشگری کمک می‌کند.

در بعد زیست‌محیطی و بوم‌شناختی، نتایج این مطالعه با عثمان و همکاران (۲۰۲۳) و ساچلی (۲۰۲۲) همخوانی دارد که منظر شهری را عاملی فراتر از مرزهای قومی و محلی، پیونددهنده رفتارهای اجتماعی و تقویت‌کننده هویت شهری معرفی کردند. همچنین با کنز و همکاران (۲۰۱۸) و اوجانگ (۲۰۱۷) که بر نقش طبیعت شهری، تعلق مکانی و تداوم

هویت مکانی تأکید داشتند، هم راستا است. یافته‌های حاضر نشان می‌دهد که هویت بوم‌شناختی باغ‌شهری در گرمسار، با حبله‌رود، جوی‌های آب، باغ‌های انار و انجیر و کمربند سبز، نه تنها کارکرد زیست‌محیطی و کاهش ریزگردها دارد، بلکه به عنوان یک کریدور پیوند دهنده میان کالبد، خاطره و طبیعت عمل می‌کند. با این حال، در مدل ساختاری، اثر این بعد بر گردشگری پایدار کمتر از ابعاد اقتصادی و اجتماعی ارزیابی شد؛ این یافته با پژوهش‌هایی که بر اولویت اقتصاد و اجتماع در گردشگری شهری تأکید دارند، سازگار است، اما تحلیل فضایی نشان می‌دهد که این بعد، نقش زیرساختی و پیوند دهنده برای سایر ابعاد ایفا می‌کند.در نهایت، در بعد تحلیل فضایی و برنامه‌ریزی، نتایج پژوهش حاضر با زاگروبا و همکاران (۲۰۲۰) همسو است که برنامه‌ریزی یکپارچه و ساماندهی فضایی میادین سنتی را عامل بازگرداندن تعادل میان ابعاد اقتصادی، پویایی اجتماعی و حفاظت از میراث معماری دانستند. همچنین با بوسا (۲۰۲۰) همخوانی دارد که مداخلات کالبدی شتاب‌زده و تخریب بافت اولیه را موجب زوال هویت تاریخی مکان معرفی کرد. نقدبیشی و افسر (۲۰۲۵) نیز بر معماری میان‌افزا و تعادل میان جنبه‌های عینی و ذهنی هویت تأکید کردند. سپه (۲۰۱۰) نیز بازآفرینی خلاقانه و حفاظت از اصالت را شرط پایداری گردشگری دانست. پژوهش حاضر با ترکیب مدل‌سازی معادلات ساختاری و تحلیل فضایی مبتنی بر GIS، گامی فراتر از این مطالعات برمی‌دارد؛ زیرا نه تنها مؤلفه‌های هویتی را اعتبارسنجی می‌کند، بلکه با پهنه‌بندی اولویت‌دار، نشان می‌دهد که کدام محدوده‌ها باید در مداخلات آینده در مرکز توجه قرار گیرند. این رویکرد، به ویژه برای شهرهای میان‌راهی و کوچک‌مقیاسی مانند گرمسار که با پدیده معبر بودن و انزوای فضایی عناصر هویتی مواجه‌اند، الگویی عملیاتی و فضامند ارائه می‌دهد و یافته‌های پیشین را در بستر خاص این شهر بسط می‌دهد. در نهایت در راستای نتایج بدست آمده راهکارهای ذیل پیشنهاد شد:

- نتایج تحلیل فضایی نشان داد که بافت تاریخی ناسار، محور صنعتی-ریلی و کمربند باغ شهری، سه خوشه اصلی هویت فضایی شهر هستند، اما به دلیل پراکندگی و ضعف پیوند شبکه‌ای، عملکرد گردشگری پایینی دارند. پیشنهاد می‌شود شهرداری گرمسار با همکاری اداره میراث فرهنگی، یک کریدور پیاده-دوچرخه با مسیرهای مشخص و نشانه‌گذاری یکپارچه طراحی کند که این سه کانون را به هم متصل نماید. این کریدور می‌تواند شامل پیاده‌راه‌های امن، ایستگاه‌های تفسیری، نورپردازی شبانه و مبلمان شهری همخوان با هویت بومی باشد تا گردشگر بتواند در یک تجربه پیوسته، از بافت تاریخی به میراث صنعتی و سپس به باغ‌شهری منتقل شود.
- یافته‌های مدل ساختاری نشان داد که بعد اقتصادی و اجتماعی هویت، بیشترین اثر را بر گردشگری پایدار دارند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پهنه‌های اولویت‌دار (به ویژه بافت تاریخی ناسار و محور صنعتی) برنامه‌های حمایتی از کسب‌وکارهای محلی، صنایع دستی، اقامتگاه‌های بوم‌گردی و بازارچه‌های موقت اجرا شود. این برنامه‌ها باید با مشارکت خود ساکنان و بر پایه ظرفیت‌های محلی مانند بافت معماری، آیین‌های تعزیه و جشن خرمن، و تولیدات باغی طراحی شوند. ایجاد صندوق خرد محلی، آموزش مهارت‌های گردشگری و تسهیل مجوزهای فعالیت در بافت تاریخی می‌تواند به رونق اقتصادی، اشتغال‌زایی و در نتیجه تقویت انگیزه حفاظت از میراث منجر شود.
- نتایج نشان داد که ضعف هماهنگی نهادی و نبود ابزارهای نظارتی، از موانع اصلی تبدیل هویت به گردشگری پایدار است. پیشنهاد می‌شود یک سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) تحت وب برای پایش مستمر وضعیت ابنیه تاریخی، کیفیت دسترسی‌ها، جریان گردشگر و اثرات مداخلات ایجاد شود. این سامانه باید توسط کارگروهی مشترک از شهرداری، میراث فرهنگی، اداره راه و شهرسازی و نمایندگان جامعه محلی مدیریت شود و به صورت دوره‌ای گزارش وضعیت پهنه‌های هویتی را ارائه دهد. همچنین تدوین ضوابط ویژه برای حفظ اصالت معماری، جلوگیری از تغییر کاربری‌های ناهمگون و الزام به تأمین فضای سبز جبرانی در پروژه‌های جدید ضروری است تا از فرسایش تدریجی هویت جلوگیری شود.

سپاسگزاری: مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری می‌باشد. بدین وسیله از همکاری مشارکت‌کنندگان در این مقاله که سهم موثری در جمع‌آوری داده‌ها داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

حامی مالی: بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

سهم نویسندگان در پژوهش: همه نویسندگان، در نگارش و تنظیم مقاله حاضر نقش و سهم برابر دارند.

تضاد منافع: نویسندگان اعلام می‌دارند هیچ تضاد منافعی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

References

Abbaszadeh, M., Mohammad Moradi, A., & Soltanahmadi, E. (۲۰۱۵). The role of architectural and urban heritage values in cultural tourism development: Case study: The historical fabric of Urmia. *Motaleate Shahri*, *4*(۱٤), ۷۷–۹۰. https://urbstudies.uok.ac.ir/article_۱۳۰۱۰.html?lang=en (In Persian)

Alereza Amiri, S., Habib, F., & Zabihi, H. (۲۰۲۰). Identification and prioritization of city identity criteria based on primary and secondary mental image of tourists (Experimental study: Babolsar City). *Journal of Tourism and Development*, *9*(٤), ۱۸۵–۱۹۸. https://doi.org/۱۰,۲۲۰۳٤/jtd.۲۰۲۰,۱۹٦۳۸۳,۱۷۹۱ (In Persian)

Amiri, H. (۲۰۲۵). *The role of sustainable architecture in urban tourism development with an emphasis on cultural identity*. ۳۱st National Conference on Urban Planning, Architecture, Civil Engineering, and the Environment, Shirvan. https://civilica.com/doc/۲۵۷۷۹۳۹ (In Persian)

Azimpour, A., Ghanbari, E., & Savareh, A. (۲۰۲٤). Evaluating the spatial quality of Beyn Ol-Harameyn, a historical-tourism space in Shiraz, Iran: Urban design strategies for recovering place identity. *Iranian Urban Design Studies*, *1*(۱), ۱٦۱–۱۸٤. https://doi.org/۱۰,۲۲۰۹۹/udsi.۲۰۲٤,٥۱۷۱۳,۱۰۱٥ (In Persian)

Behzadfar, M. (۲۰۱۳). *City identity: A look at the identity of Tehran*. Nashr-e Shahr. (In Persian)

Bijlsma, L., Van Dijk, T., & Geerts, F. (۲۰۰٤). Editorial. Architecture and the tourist landscape. *Landscape and Mass Tourism, OASE*, (٦٤), ۲–۱٥. https://designreviewed.com/artefacts/oase-٦٤-۲۰۰٤/

Bott, S., Cantrill, J. G., & Myers, O. E. (۲۰۰۳). Place and the promise of conservation psychology. *Human Ecology Review*, *10*(۲), ۱۰۰–۱۱۲. http://www.jstor.org/stable/۲٤۷۰٦۹٥۹

Boussaa, D. (۲۰۲۰). The past as a catalyst for cultural sustainability in historic cities: The case of Doha, Qatar. *International Journal of Heritage Studies*, *27*(٥), ٤۷۰–٤۸٦. https://doi.org/۱۰,۱۰۸۰/۱۳٥۲۷۲٥۸,۲۰۲۰,۱۸۰٦۰۹۸

Donboli, S., Safari, A. A., & Abad, H. K. K. (۲۰۱۷). Components of the city's physical identity: A review of Iranian cities. *Current World Environment*, *12*, ۲۳۷–۲٤۹. https://architexturez.net/doc/az-cf-۲۳۸۷٤٦

Ernawati, J. (۲۰۱۸). Dimensions underlying place identity for sustainable urban development. *MATTER: International Journal of Science and Technology*, *3*(۳), ۲۷۱–۲۸٥. https://doi.org/۱۰,۲۰۳۱۹/mijst.۲۰۱۸,۳۳,۲۷۱۲۸٥

Hauge, Å. L. (۲۰۰۷). Identity and place: A critical comparison of three identity theories. *Architectural Science Review*, *50*(۱), ٤٤–٥۱. https://doi.org/۱۰,۳۷٦۳/asre.۲۰۰۷,٥۰۰۷

Hosseini Tabatabaei, M., & Mousavi Fard, Z. (۲۰۲۳). A study on the impact of modern architectural style on the cultural identity of Iranian cities. *Manifestation of Art in Architecture and Urban Planning*, *1*(۱), ۱٦–۲۹. https://jmaaue.org/index.php/jmaaue/article/view/۲ (In Persian)

Hussein, F., Stephens, J., & Tiwari, R. (۲۰۲۰). Cultural memories and sense of place in historic urban landscapes: The case of Masrah Al Salam, the demolished theatre context in Alexandria, Egypt. *Land*, *۹*(۸), ۲٦٤. https://doi.org/۱۰,۳۳۹۰/land۹۰۸۰۲٦٤

Jabareen, Y., & Eizenberg, E. (۲۰۲۱). Theorizing urban social spaces and their interrelations: New perspectives on urban sociology, politics, and planning. *Planning Theory*, *20*(۳), ۲۱۱–۲۳۰. https://doi.org/۱۰,۱۱۷۷/۱٤۷۳۰۹٥۲۲۰۹۷٦۹٤۲

Jamal, A., Rizki, C. Z., Fitriyani, Rusdi, M., & Diana, A. (۲۰۲۳). Urban quality of life amidst COVID-۱۹ pandemic in Indonesia: Do economic and geographical factors influence quality of life? *Journal of Maps*, *19*(۱). https://doi.org/۱۰,۱۰۸۰/۱۷٤٤٥٦٤۷,۲۰۲۳,۲۲۳۲۳٦۷

Javan, F., & Naimabadi, N. (۲۰۲٥). From heritage to livelihood: Synergizing sustainable tourism and historical preservation in rural communities of Gilan. *The Journal of Spatial Planning & Geomatics*, *29*(۲).

Javan, F., Hojjat, S., & Seyfizadeh, M. (۲۰۲۱). Analysis of the effective propellants of tourism development in Rasht metropolis based on future studies approach. *Journal of Program and Development Research*, *2*(۲), ۱٦۱–۱۸٦.

Kashi, H., & Bonyadi, N. (۲۰۱۳). Stating the model of identity of place-sense of place and surveying its constituents (Case study: Pedestrian passage of Shahre Rey). *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, *18*(۳), ٤۳–٥۲. https://doi.org/۱۰,۲۲۰٥۹/jfaup.۲۰۱۳,٥۱۳۱۷ (In Persian)

Knez, I., Ode Sang, Å., Gunnarsson, B., & Hedblom, M. (۲۰۱۸). Wellbeing in urban greenery: The role of naturalness and place identity. *Frontiers in Psychology*, *9*, ٤٩١. https://doi.org/١٠,٣٣٨٩/fpsyg.٢٠١٨,٠٠٤٩١

Mahabir, R., Crooks, A., Croitoru, A., & Agouris, P. (۲۰۱٦). The study of slums as social and physical constructs: Challenges and emerging research opportunities. *Regional Studies, Regional Science*, *3*(١), ٣٩٩–٤١٩. https://doi.org/١٠,١٠٨٠/٢١٦٨١٣٧٦,٢٠١٦,١٢٢٩١٣٠

Mahdavi Helan, M., & Shahmoradi, M. (۲۰۲٦). *The role of urban management in sustainable tourism development: Explaining strategies to enhance citizens' quality of life and tourists' experiences*. ١٠th International Conference on Tourism, Geography, and a Clean Environment, Hamedan. https://civilica.com/doc/٢٧١٠٤٣٥ (In Persian)

Naghdbishi, R., & Afsar, M. (۲۰۲٥). The role of infill architecture components in enhancing neighborhood identity based on the interaction between new spaces and physical heritage (Case study: Chidzari and Nimad buildings in Tehran). *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, *30*(٣), ٦٩–٨٨. https://doi.org/١٠,٢٢٠٥٩/jfaup.٢٠٢٥,٣٩٨٨٦٥,٦٧٣١٠٠ (In Persian)

Naseri, P., Zeynali Aim, A., Shafizadeh, A., & Babazadeh Oskouei, S. (۲۰۲٦). The analysis of factors affecting the identity of urban spaces: A case study of historical and contemporary tourist bridges. *Urban Space and Social Life*, *4*(١٥), ٣٩–٦٣. https://doi.org/١٠,٢٢٠٣٤/jprd.٢٠٢٥,٦٢٩٣٥,١١١٥ (In Persian)

Osman, M. M., Fashuyi, O. S., & Hassan, H. N. (۲۰۲۳). Landscape as a defining identity of Abuja urban space. *Journal of Studies in Science and Engineering*, *3*(١), ١–١٢. https://doi.org/١٠,٥٣٨٩٨/josse٢٠٢٣٣١١

Pla'tou. (۲۰۰۷). *Architektur macht Gäste: Über den Zusammenhang zwischen Architektur und Wirtschaftlichkeit im Tourismus*. Pla'tou Website.

Pourramezan, E., Hashemizehi, S., Javan, F., & Naeimabadi, N. (۲۰۱۷). The role of historical identity of Sistan tourism attractions in economic development of rural areas (Case study: Zehak villages). *Journal of Geography and Regional Planning*, *7*(٢٩).

Qazimi, S. (۲۰۱٤). Sense of place and place identity. *European Journal of Social Sciences Education and Research*, *1*, ٣٠٦–٣١٠. https://doi.org/١٠,٢٦٤١٧/ejser.v١i١.p٣٠٦-٣١٠

Sacli, A. (۲۰۲۲). Spatial effects of globalization and urban identity. *İdealkent*, *13*(٣٧), ٢١٠٨–٢١٢٨. https://doi.org/١٠,٣١١٩٨/idealkent.١١٣٥٠٤٤

Sadeghi, H., & Javan, F. (۲۰۲٥). Vulnerability of Iranian tourism villages in terms of landslide hazard using GIS. *Geography*, *23*(٨٤), ١٥٣–١٧٠.

Sadeghi, H., & Seidaiy, S. E. (۲۰۲٥). Exploring the role of tourism on land use value in rural areas: A case study. *International Journal of Rural Management*, *21*(٢), ٢٠٣–٢٢٣.

Sadeghi, H., Javan, F., Amiri, M., Rezaei, M., & Yousefian, M. (۲۰۲٦). Comprehensive analysis of strategic tourism development and explanation of internal and external factors influencing the realization of future vision (Case study: Golshan City). *Journal of Future Cities Vision*, *7*(٢٥), ٥١–٧٠.

Sadeghi, H., Zandi, R., Javan, F., Taghvaei, M., & Bautista, H. (۲۰۲٥). Identifying and analyzing future-oriented strategies for tourism development in the Caspian region (Iran and Russia): A mixed-methods approach. *Geography and Regional Future Studies*, *3*(٣), ١–١٨. https://doi.org/١٠,٣٠٤٦٦/grfs.٢٠٢٥,٥٦٣٣٣,١١٣٧ (In Persian)

Saeedi, R., Azar, A., & Hosseinzadeh Dalir, K. (۲۰۲٥). Explaining historical identity and cultural landscape in urban tourism development: A case study of Maragheh City. *Sustainable Development of Geographical Environment*, *7*(١٥), ٣٨–٥٣. https://doi.org/١٠,٤٨٣٠٨/sdge.٢٠٢٦,٢٤٢٦٧٣,١٢٨٣ (In Persian)

Sepe, M. (۲۰۱۰). Urban policies, place identity and creative regeneration: The Arabianranta case study. In *١٤th International Planning History Conference* (pp. ١٢–١٥). Istanbul.

Shamsoddini, A., & Sadeghi, H. (۲۰۲۳). The impact of cultural elements on the tourism development of the Dezpart County. *Geographical Journal of Tourism Space*, *12*(٤٥), ٩٥–١١٨. https://dorl.net/dor/٢٠,١٠٠١,١,٢٢٥١٨٨٢٧,١٤٠١,١٢,٤٥,٦,٤ (In Persian)

Shamsuddin, S. (١٩٩٧). *Identity of place: A case study of Kuantan town centre, Malaysia* (PhD thesis). University of Nottingham.

Specht, J. (۲۰۱٤). *Architectural tourism and the spectaculture: Building for urban travel destinations*. Springer.

Stepanchuk, A., Salyakhova, M., & Salyakhova, V. (۲۰۲۱). Preserving identity while reorganizing urban spaces. *E3S Web of Conferences*, *274*, ٠١٠١٧. https://doi.org/١٠,١٠٥١/e٣sconf/٢٠٢١٢٧٤٠١٠١٧

Strandberg, C., & Styvén, M. E. (۲۰۲٤). The multidimensionality of place identity: A systematic concept analysis and framework of place-related identity elements. *Journal of Environmental Psychology*, *95*, ۱۰۲۲۵۷. https://doi.org/۱۰,۱۰۱٦/j.jenvp.۲۰۲٤,۱۰۲۲۵۷

Torabi, Z.-A., Rezvani, M. R., Hall, C. M., Davani, P., & Bakhshaei, B. (۲۰۲۵). Place identity and environmental conservation in heritage tourism: Extending the theory of planned behavior to Iranian rural heritage villages. *Tourism and Hospitality*, *6*(۳), ۱۵۰. https://doi.org/۱۰,۳۳۹۰/tourhosp٦۰۳۰۱۵۰

Tournois, L., & Rollero, C. (۲۰۲۰). "Should I stay or should I go?" Exploring the influence of individual factors on attachment, identity, and commitment in a post-socialist city. *Cities*, *102*, ۱۰۲۷٤۰. https://doi.org/۱۰,۱۰۱٦/j.cities.۲۰۲۰,۱۰۲۷٤۰

Ujang, N. (۲۰۱۷). Place attachment and continuity of urban place identity. *Asian Journal of Environment-Behaviour Studies*, *2*(۲), ۱۱۷–۱۳۲. https://doi.org/۱۰,۲۱۸۳٤/aje-bs.v۲i۲,۱۸۲

Urry, J. (۲۰۰۲). *The tourist gaze: Leisure and travel in contemporary societies* (۲nd ed.). Sage.

Varesi, H., Vazin, N., & Azimi Kohanjani, M. (۲۰۲۳). The impact of city identity factors on tourism development: The case study of Shiraz city. *Urban Tourism*, *10*(۳), ۱۵–۳۱. https://doi.org/۱۰,۲۲۰۵۹/jut.۲۰۲۳,۳۵۰۸۲۷,۱۰۸۰ (In Persian)

Zagroba, M., Szczepańska, A., & Senetra, A. (۲۰۲۰). Analysis and evaluation of historical public spaces in small towns in the Polish region of Warmia. *Sustainability*, *12*(۲۰), ۸۳۵٦. https://doi.org/۱۰,۳۳۹۰/su۱۲۲۰۸۳۵٦

تایید شده نهایی قبل از چاپ